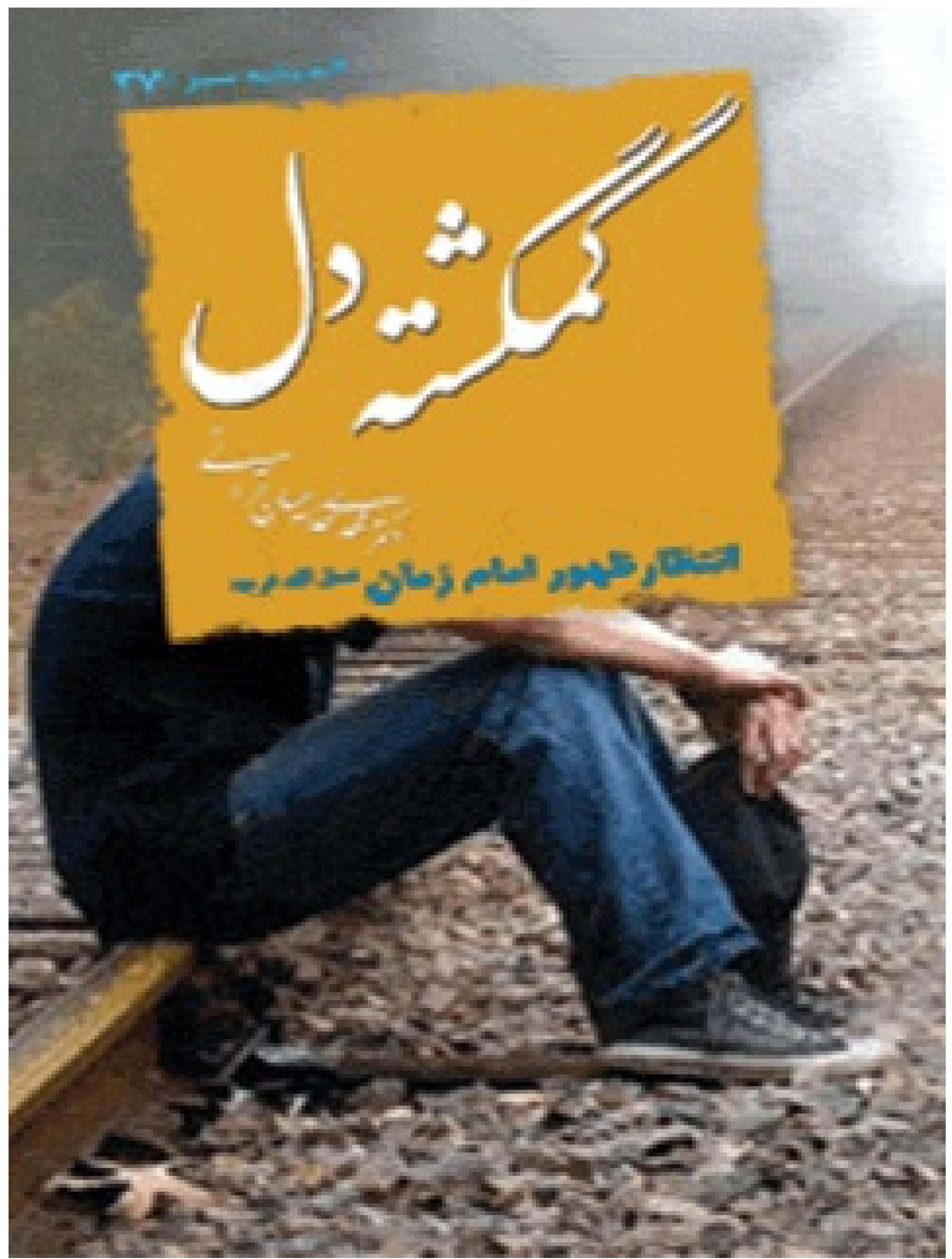

گمگشته دل
انتظار ظهور امام زمان

بسم الله الرحمن الرحیم

گمگشته دل : انتظار ظهور امام زمان (عجل الله فرجه)

نویسنده:

مهدی خدامیان آرانی

ناشر چاپی:

وثوق

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

گمگشته ی دل: انتظار ظهور امام زمان عجل الله فرجه

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : گمگشته ی دل: انتظار ظهور امام زمان عجل الله فرجه/مهدی خدامیان آرانی

مشخصات نشر : قم: وثوق، ۱۳۹۱

مشخصات ظاهری : ۹۴ ص.

فروست : اندیشه سبز؛ ۳۷

وضعیت فهرست نویسی : در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت)

یادداشت : عنوان روی جلد: گمگشته دل

شماره کتابشناسی ملی : ۲۹۱۹۰۹۳

مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ

دورِ خانه خدا خلوت شده بود و من می توانستم کنار درِ کعبه بایستم. آنجا جایی است که تو روزی می آیی، می ایستی و فریاد بر می آوری: «ای مردم دنیا! من مهدی هستم».

لحظاتی آنجا ایستادم و به تو فکر کردم، دلم هوای تو را کرده بود، نمی دانستم چه باید بکنم. بر دوری تو اشک می ریختم.

نمی دانم چه شد که به یاد دوستان خوبم افتادم. آنها بارها از من خواسته بودند تا در مورد تو برایشان بنویسم. من دست به دعا برداشتم، شنیده بودم که دعا در آنجا مستجاب می شود، از خدا خواستم به من توفیق دهد تا بعد از سفر کتابی بنویسم که جوانان بهتر بتوانند روزگار غیبت تو را بشناسند.

این گونه بود که بعد از سفر، قلم را در دست گرفتم و شروع به نوشتن کردم، تو خودت مرا کمک کردی تا این کتاب را تمام کنم.

اکنون اسم آن را «گمگشته دل» می گذارم، امیدوارم که این تلاش را از من قبول کنی. تو خودت خوب می دانی که من آقایی جز تو ندارم.

مهدی خُدّامیان آرانی

خرداد ماه ۱۳۹۰

می خواهی از همه بهتر باشی؟

یـک شب داشـتم به دوران های مختلف تاریخی فکر می کردم. با خود گفتم خوشا به حال کسانی که در زمان پیامبر زنـدگی می کردنـد، کسانی که پیامبر را یاری کردنـد و با تمام وجود از دسـتورهای آن حضـرت اطاعت می کردند. به راستی که آنها بهترین مردم تاریخ بودند.

بعـد از مـدّتی فکری به ذهنم رسـید، با خودم گفتم: یاران امام حسـین(ع) که در کربلا شـهید شدنـد از مردم همه زمان ها بهتر بودند، زیرا آنها جان خویش را فدای امام خود نمودند و اسلام واقعی را زنده نگه داشتند.

نمی دانم

آیا تو هم با این سخن من موافق هستی؟ آیا می توانیم کسانی را پیدا کنیم که از یاران امام حسین(ع) بهتر باشند؟

من مدّت ها بر این عقیده بودم تا این که با سخنی از امام سجاد(ع) روبرو شدم. این سخن برایم خیلی عجیب بود، من جواب سؤال خویش را در این سخن یافتم.

امام سجاد(ع) به یکی از یاران خود چنین گفتند: «بدان که روزگار غیبت امام دوازدهم، بسیار طولانی می شود. آیا می دانی بهترین مردم در همه زمان ها چه کسانی می باشند؟ کسانی که در زمان غیبت، زندگی می کنند و به امامت امام زمان خود اعتقاد دارند و در انتظار ظهور هستند. آنها بهترین مردم همه زمان ها هستند. آنها خود مَظهَر ظهور هستند و گُلِ سرسبد دنیا هستند».

دوست خوب من!

باور کن، تو خود که در این روزگار غیبت زندگی می کنی اگر به وظیفه خود عمل کنی، از مردم همه روزگاران بهتر خواهی بود و نزد خدا مقامی بس بزرگ خواهی داشت.

«إنَّ أَهْلَ زَمانِ غَیبَتِهِ ... أَفضَلُ أَهلِ کُلِّ زَمانٍ: همانا مردم روزگار غیبت امام زمان ... از مردم همه زمان ها بهتر می باشند».

یعنی اگر تو بتوانی منتظر واقعی امام زمان باشی، حتّی از یاران امام حسین(ع) هم بهتر هستی.

درست است که تو در روزگار غیبت قرار گرفته ای و از دیدار امام زمان خویش بی بهره ای، امّا می توانی از این شرایط به گونه ای استفاده کنی که همه مردم تاریخ، حسرت درک و کمال تو را داشته باشند.

البتّه تو برای رسیدن به این مقام باید دو شرط را مراعات کنی:

الف : به امامت امام زمان خویش اعتقاد داشته باشی و در این اعتقاد به یقین رسیده باشی و خود مظهر ظهور ایشان باشی. تو باید

سطح اطّلاعات و آگاهی خود را در زمینه امامِ خود زیاد و زیادتر کنی و برای هر شکّ و شبهه ای، جوابی آماده داشته باشی.

ب : تو باید منتظر واقعی باشی، یعنی همواره به یاد آن حضرت باشی و برای آمدنش لحظه شماری کنی. فکر می کنم خود می دانی کلمه «انتظار» چه معنایی دارد و به چه کسی منتظر می گویند. تو هم باید با تمام وجودت هر لحظه و هر ساعت منتظر آمدن امام خویش باشی، کردار و رفتارت باید به گونه ای باشد که باعث خشنودی امام تو بشود، تو باید یک مسلمان واقعی باشی، کسی که به عمل، اسلام را قبول کرده است، نه این که فقط به اسم، مسلمان است!

دوست خوبم!

آیا دوست داری ادامه سخن امام سجاد(ع) را برایت نقل کنم؟

گوش کن این سخن امامِ تو است: «در روزگار غیبت کسانی هستند که به اندازه ای از فهم و معرفت و شناخت می رسند که دیگر غیبت و حضور امام برایشان مساوی است. آنان مانند کسانی هستند که در رکاب پیامبر بوده و برای دفاع از اسلام شمشیر زده اند. آنان شیعیان واقعی و بندگان خوب خدا هستند». اکنون که این سخن را خواندی آیا باز هم از این که امام زمان تو غایب است، شکوه و گلایه می کنی؟ تو می توانی به جایی برسی که دیگر حضور و غیبت برای تو فرقی نکند. این وعده امام سجاد(ع) است.

خداوند عادل است و در حقّ هیچ کس ظلم نمی کند، خدا می داند که تو از امام زمان خود دور هستی، خدا خودش می داند که الان مصلحت نیست تا امام زمان ظهور کند، شاید صدها سال طول بکشد تا روزگار ظهور فرا برسد، امّا

جایِ هیچ نگرانی برای تو نیست. تو می توانی به سطحی از آگاهی و شناخت برسی که دیگر غیبت امام زمان و حضور او برای تو مساوی باشد.

خوشا به حال تو!

پس برخیز به وادی شناخت و معرفت امام زمان خویش قدم بگذار، دیگر بس است روزگاری که فقط به احساس و شور اکتفا می کردی. برخیز و به کسب شناخت و معرفت بپرداز.

امام سجاد(ع) راه را برای تو مشخّص کرد؛ کسب معرفت و آگاهی، راهی است که تو را از همه سختی ها نجات می دهد و تو را به نقطه اوج بندگی می رساند.۱

در آرزوی شهادت هستم هنوز!

نمی دانم نام مرا شنیده ای؟ اسم من، «جابر جُعفی» است. من یکی از شاگردان امام صادق(ع) هستم. امروز می خواهم برای تو حکایتی را نقل کنم.

من در شهر کوفه زندگی می کنم، خیلی دلم می خواست که به زیارت خانه خدا بروم. نزدیک ایّام حج که شد با جمعی از دوستان خود به سوی مکّه حرکت کردیم، شکر خدا که موفّق شدیم اعمال حج را انجام دهیم!

اکنون تصمیم گرفتیم تا به مدینه سفر کرده و بار دیگر امام صادق(ع) را ببینیم. آری! هیچ چیز در دنیا برای ما مثل دیدار با امام معصوم، ارزشمند و لذّت بخش نیست.

وقتی به مدینه رسیدیم چند روزی در آنجا ماندیم و از حضور آن امام بزرگوار استفاده می بردیم و از سخنان او برای سعادت دنیا و آخرت خویش بهره می گرفتیم.

کم کم باید برای بازگشت به کوفه آماده می شدیم، سفر طولانی شده بود و زن و بچّه های ما منتظر بودند. برای آخرین بار نزد امام رفتیم و می خواستیم با او خداحافظی کنیم.

یکی از دوستان من رو به امام کرد و گفت: ای فرزند رسول اللّه! از

تو می خواهیم که در این آخرین لحظات با ما سخنی بگویید تا ما آن را آویزه گوش خویش قرار دهیم.

امام به ما نگاهی کرد و چنین فرمود: «از شما می خواهم که همدیگر را یاری کنید و با یکدیگر مهربان باشید، ثروتمندان شما از مستمندان دستگیری کرده و به آنها کمک نمایند. هر چه را که برای خود می پسندید، برای دیگران هم بپسندید. شما به شهر خود می روید و سخنان ما به شما می رسد، شما باید این سخنان را مورد بررسی قرار دهید. اگر این سخنان موافق قرآن باشد قبول کنید و اگر آن را مخالف قرآن یافتید آن را قبول نکنید. اگر شما به گونه ای زندگی کنید که ما از شما می خواسته ایم، ثواب شهید را خواهید داشت، هر کدام از شما که مرگ او قبل از ظهورِ حکومت ما فرا برسد، خداوند به او ثواب شهید می دهد».۲

وقتی ما سخن امام صادق(ع) را شنیدیم خیلی به فکر فرو رفتیم، سالیان سال بود که ما منتظر بودیم حکومت اهل بیت(ع) تشکیل شود و بتوانیم جان خود را فدای آرمان مقدّس اسلام نماییم، امّا آن که روز امام صادق(ع) ما را متوجّه وظیفه خود نمود.

آری، امام دوست دارد که ما از محرومان جامعه دستگیری نماییم و به فهم و شناخت قرآن نیز بیشتر توجّه کنیم.

من به دنبال برادران خود هستم

همه در مسجد نشسته ایم و منتظر هستیم تا پیامبر بیاید، دیگر وقت زیادی تا اذان نمانده است، مردم کم کم برای خواندن نماز به مسجد می آیند.

نگاه کن! این پیامبر است که به این سو می آید، همه به احترام او از جای خود بلند می شوند. پیامبر به سوی محراب می رود و نماز برپا

می شود.

بعد از نماز، پیامبر رو به مردم می کند تا برای آنان سخن بگوید، همه منتظر هستند تا امروز هم از سخنان پیامبر بهره مند شوند.

در این هنگام پیامبر چنین می فرماید: کاش می توانستم برادرانم را ببینم!

پیامبر این موضوع را دو بار تکرار می کند.

همه ما می خواستیم بدانیم که منظور پیامبر از این سخن چیست؟ برادران پیامبر چه کسانی هستند که این قدر او مشتاق دیدار آنهاست.

بعضی ها خیال می کنند که حتماً کسانی برادران پیامبر هستند که آن حضرت را یاری نموده اند و از اصحاب او هستند. برای همین یکی از آنها چنین می گوید: ای رسول خدا! شما دعا کردی که خدا توفیق دیدار برادرانتان را به شما عنایت کند، آیا ما که به تو ایمان آوردیم و تو را یاری کردیم برادران تو نیستیم؟

پیامبر نگاهی به سوی او می کند و می گوید: شما یاران من هستید، امّا برادران من کسان دیگری هستند، آنهایی که در «آخر الزّمان» می آیند و به من ایمان می آورند در حالی که مرا ندیده اند، به خدا قسم من آنها را به نام هایشان می شناسم، آنها برای حفظ دین خود با مشکلات زیادی روبرو می شوند، به راستی که آنها چراغ هایی هستند که مردم را هدایت می کنند و خداوند آنها را از فتنه های بسیاری نجات می دهد، ای کاش من آنها را می دیدم!۳

ایمان آنان از ایمان همه مردم بهتر است، زیرا آنان بر سیاهی روی کاغذ ایمان آورده اند، آنان مرا ندیده اند و امام زمان خویش را به چشم سر ندیده اند، امّا قلب های آنان از نور ایمان روشن است.۴

وقتی سخن پیامبر به اینجا رسید، همه ما به فکر فرو رفتیم. ما که پیامبر را در جنگ ها با تمام وجودمان یاری کرده ایم، برادر

پیامبر نیستیم! بلکه کسانی که در آینده خواهند آمد، برادران پیامبر هستند، ای کاش ما هم در آن زمان به دنیا می آمدیم!!

سلام به ظهور زیبایی ها

یک روز که نزد امام رضا(ع) رفته بودم از او در مورد روزگار ظهور سؤال نمودم، می خواستم بدانم که چه موقع حکومت اهل بیت(ع) تشکیل خواهد شد، چه موقع، دنیا گمشده خود را که همان عدالت است باز خواهد یافت؟ کی گره از کار بشر باز و گشایشی پدیدار خواهد شد؟

امام رضا(ع) به من نگاهی کرد و فرمود: «مگر نمی دانی اگر در انتظار فرج باشی، همین انتظار، برای تو، فرج است؟».۵

من با شنیدن این سخن به فکر فرو رفتم، منظور امام از این سخن چه بود؟

خیلی فکر کردم و به این نتیجه رسیدم که وقتی من منتظر ظهور باشم، در حقیقت به روشنایی و کمال رسیده ام، ظهور برای این است که همه انسان ها به کمال و زیبایی برسند، وقتی که من در انتظار این زیبایی باشم، خودم نیز زیبا می شوم و ارزش پیدا می کنم، چرا که تمام فکر و ذهن من به زیبایی می اندیشد، من دیگر زیبا فکر می کنم، این زیبایی در زندگی من جلوه می کند.

آری! در انتظار همه خوبی ها بودن، خودِ مرا هم زیبا می کند و این، عینِ زیبایی است.

وقتی من با تمام وجودم منتظر آمدن امام زمان خویش هستم و برای آمدن او برنامه ریزی می کنم، ناخودآگاه زندگی خود را به سمت و سویی می برم که رنگ و بوی قرآن می دهد، اینجاست که در زندگی من، زیبایی ظهور پیدا می کند.

آیا عمر من طولانی خواهد بود؟

نام من «ابوبَصیر» است، من هیچ گاه دنیا را ندیدم، چون من کورِمادرزاد به دنیا آمدم. اهل کوفه هستم و از شاگردان امام صادق(ع) می باشم. امروز می خواهم برای شما خاطره ای را نقل کنم.

یک روز که نزد امام صادق(ع) رفته بودم از آن حضرت سؤال کردم:

آقای من! آیا عمر من آن قدر خواهد بود که روزگار ظهور را درک کنم؟ آیا من روزگار حکومت شما را خواهم دید؟

ای ابوبصیر! آیا تو امام خود را می شناسی؟ آیا به امام خویش معرفت داری؟

بله! من بر این باور هستم که تو امام من هستی و فقط اطاعت تو بر من واجب است.

ای ابوبصیر! اگر تو امام خود را بشناسی دیگر برای تو فرقی نمی کند که روزگار ظهور را درک کنی یا نه. تو مانند کسی هستی که در خیمه قائم است و آماده است تا آن حضرت را یاری کند.

فدایت بشوم. به من بگو که ظهور کی فرا خواهد رسید؟

ای ابوبصیر! آیا تو هم از آن کسانی هستی که می خواهند به دنیا برسند؟ آیا تو هم از کسانی هستی که می خواهند تا ظهور فرا برسد و آنها به پول و ثروت برسند؟ ای ابوبصیر! کسی که اعتقاد و یقین به ما داشته باشد و در انتظار ظهور باشد، باید بداند که او به خاطر همان انتظار به کمال واقعی خود می رسد.۶

آن روز بود که فهمیدم که اگر من منتظر واقعی باشم، باید برای من ظهور شده باشد، پس مشکل در این است که من هنوز منتظر واقعی نیستم، خوشا به حال کسانی که منتظر واقعی هستند، آنان دیگر به گمشده خود رسیده اند. آنان دیگر در اضطراب نیستند، چون به آرامشی بس بزرگ دست یافته اند!

دیگر در انتظار ظهور نیستم!

حکومت، بسیاری از دوستان مرا در گوشه زندان جای داده است و آنها را آزار و شکنجه می کند، شنیده ام عدّه ای از آنها مظلومانه به شهادت رسیده اند، آنها جُرمی به غیر از پیروی از

آرمان اهل بیت(ع) نداشتند. وقتی من به این موضوع فکر می کنم بسیار ناراحت می شوم، تا به کی باید شیعیان مظلوم باشند؟ تا به کی باید این حکومت های فاسد به ظلم ها و ستم های خود ادامه دهند؟

من همواره با ترس و اضطراب زندگی می کنم، زن و بچّه من همیشه نگران هستند، هر لحظه ممکن است مأموران حکومتی به خانه ام بریزند و مرا دستگیر کنند.

چاره ای ندارم جز این که دعا کنم، روزگار رهایی فرا رسد و حکومت عدل اهل بیت(ع) تشکیل شود. باید برای ظهور دعا کنم. نمی دانم آیا آن قدر زنده خواهم ماند که آن روزگار را ببینم یا نه؟ خوشا به حال کسانی که در روزگار ظهور خواهند بود و حضرت مهدی(ع) را یاری خواهند کرد.

امروز تصمیم گرفتم تا به خانه امام صادق(ع) بروم تا شاید قدری آرام شوم، دیدار امام معصوم می تواند به قلب من آرامش بدهد. آنجا را نگاه کن! آنجا خانه امام است، من تا لحظه ای دیگر کنار او خواهم بود.

سلام می کنم و جوابی سرشار از محبّت می شنوم. اکنون امام رو به من می کند و می گوید: «مقام شما در نزد خدا از کسانی که در زمان ظهور، قائم ما را یاری می کنند، بیشتر است».

من قدری با خود فکر می کنم، آخر چگونه چنین چیزی ممکن است؟ من تا به حال خیال می کردم کسانی که در زمان ظهور باشند و امام زمان را یاری می کنند، از همه بهتر هستند، امّا اکنون می فهمم که امام صادق نظر دیگری دارد، او ما را که در دوران ظهور زندگی نمی کنیم، بهتر از یاران حضرت مهدی(ع) می داند. این برای من خیلی عجیب بود.

باید صبر کنم تا امام، خودش برای من توضیح

دهد. لحظه ای می گذرد، امام سخن خود را این گونه ادامه می دهد: «شما هر صبح و شب در ترس و نگرانی به سر می برید، هر لحظه ممکن است حکومت، شما را دستگیر کند و به جُرم حق طلبی روانه زندان کند و شما را شکنجه نماید. شما وقتی می خواهید نماز خود را بخوانید در ترس و دلهره هستید، شما نمی توانید به راحتی نماز خود را هم بخوانید و به سفر حج بروید. شما با ترس حج خود را به جا می آورید، حکومت هر لحظه به دنبال شماست که شما چه می کنید و کجا می روید».

وقتی من این سخنان را شنیدم، فهمیدم که چرا خدا ما را بیشتر از یاران حضرت مهدی(ع) دوست دارد، آری! کسانی که در زمان ظهور حضرت باشند، هیچ ترسی نخواهند داشت، در آن روزگار، حکومت عدل اهل بیت(ع) تشکیل خواهد شد، امّا کسی که در روزگار غیبت زندگی می کند، زندگی او با ترس و دلهره آمیخته شده است و او باید این سختی ها را تحمّل کند، آری، خدا عادل است و هرگز به کسی ظلم نمی کند، خدا می داند شیعیان روزگار غیبت چه حال و روزی دارند، امام آنها غایب است، فتنه ها به آنها رو می آورد و آنان لحظه به لحظه در آماج دسیسه های دشمنان هستند، امّا با این حال آنها در راه خود ثابت قدم هستند. خدا این را می بیند و به آنان ارزش زیادی می دهد و برای همین است که مقام آنها از همه بالاتر است.

دوست من! سخنان امام مایه آرامش من شد. دیگر من حسرت آینده را نمی خورم زیرا فهمیدم که باید شکرگزار خدایی باشم که مرا در این روزگار آفریده است. درست است

سختی های زیادی را باید تحمّل کنم، امّا ارزش آن را دارد زیرا در این شرایط من از یاران حضرت مهدی(ع) بهتر هستم!

از شما چه پنهان، این سخنان امام باعث شد که من دیگر اشتیاق زیادی به فرارسیدن ظهور نداشته باشم. من تا امروز از تمام وجودم برای ظهور دعا می کردم، امّا الان دیگر نمی توانم دعا بکنم، زیرا فهمیده ام که این روزگار با همه سختی هایش برای رشد و کمال من از دوران ظهور بهتر است. من در این روزگار می توانم به اوج سعادت و رستگاری برسم. من می توانم گوی سبقت را از همه بربایم!

می بینم که تو با تعجّب به من نگاه می کنی. تو باور نمی کنی که چرا من دیگر مشتاق ظهور نیستم. خوب چه کنم؟ هر کس جای من باشد و این سخنان زیبای امام صادق(ع) را بشنود همین فکر را می کند.

خوب است همین مطلب را با امام در میان بگذارم. رو به امام می کنم و می گویم:

آقای من! آیا درست است که ما دیگر در آرزوی ظهور حضرت مهدی نباشیم؟

این چه سخنی است که تو می گویی؟ آیا دوست ندارید که عدالت در دنیا برقرار شود و مظلومان جهان از ظلم ها و ستم ها نجات یابند؟

این سخن امام بار دیگر مرا به فکر فرو برد، جواب او کوتاه بود امّا معنای زیادی داشت. من باید برای ظهور دعا کنم تا عدالت در جهان پیاده شود و بشر، گمشده خویش را که همان عدالت واقعی است پیدا کند، امّا اگر عمر من آن قدر طول نکشید که روزگار ظهور را ببینم نباید ناامید بشوم، من باید بدانم که اگر من وظیفه خود را خوب انجام بدهم خدا

به من پاداشی بزرگ خواهد داد.۷

به خاطر شما همه کار می کنم

به چه فکر می کنی؟ رفیق! چرا زانوی غم به بغل گرفته ای؟ چرا ناامید شده ای؟

شیعه امام زمان که نباید ناامید شود، درست است که زمانه بدی است و سختی ها بر تو هجوم آورده، امّا تو باید مثل کوه استوار باشی و دریایی از امید در وجودت موج بزند.

مثل این است که فایده ای ندارد! تو هنوز هم به سیاهی ها فکر می کنی، من باید کاری انجام دهم که تو مثبت اندیشه کنی. آری! تو قدری نیاز به انرژی مثبت داری.

آیا خودت هم با من موافق هستی یا نه؟ من نمی گویم سختی وجود ندارد، بلکه می گویم تو نباید روی این سختی ها تمرکز کنی، حرف من این است.

آخر کدام زیبایی؟

صبر کن برایت می گویم. من از پیش خودم حرف نمی زنم. من می خواهم سخن امام باقر(ع) را برای تو نقل کنم.

آن حضرت فرمودند:

«روزگاری فرا می رسد که امام زمان از دیده ها پنهان می شود و شیعیان ما به غیبت و دوری او گرفتار می شوند، خوشا به حال کسانی که در آن روزگار بر ولایت امام زمان خود باقی بمانند. آیا می دانید که خدا چه ثواب های زیادی به آنها می دهد؟ کمترین چیزی که خدا به آنها عنایت می کند این است که خدا با آنان سخن می گوید».

دوست من! آیا آماده ای تا سخن خدا را بشنوی؟

تو که به امامت امام زمان اعتقاد داری و بر این باور و عقیده ثابت قدم هستی، آن قدر نزد خدا عزیز هستی که خود خدا با تو این چنین سخن می گوید:

«ای بندگان من! شما به امام خود که از چشم ها پنهان است ایمان آورده اید، شما را به ثواب زیادی مژده می دهم.

شما بندگان

خوب من هستید. من فقط عبادت شما را قبول می کنم و فقط گناهان شما را می بخشم!

آیا می دانید برای چه باران را بر این زمین نازل می کنم؟

من به برکت وجود شما به همه بندگان خود روزی می دهم. اگر شما نبودید هرگز باران رحمت خود را نازل نمی کردم!

بارها و بارها خواسته ام که عذاب را بر مردم گنهکار فرود آورم، امّا به خاطر شما عذاب را از آنان دور کرده ام».۸

خدا چه کسانی را دوست دارد؟

امام صادق(ع) فرمود: «روزگاری فرا خواهد می رسد که امامِ تو از دیده ها پنهان می شود و دوران غیبت از راه می رسد، تو باید بدانی که در آن روزگار، خدا از بندگان خویش رضایتِ بیشتری دارد. خدا کسانی که در آن شرایط بر عقیده مهدویّت باقی مانده اند را خیلی دوست دارد.

در آن روزگار شما هر صبح و شب منتظر ظهور باشید و بدانید که غیبت امام در دل شیعیانِ واقعی، هرگز شکّ و شبهه ای وارد نمی کند، اگر خدا می دانست که با غیبت، بندگان خوبش دچار تردید می شوند هرگز امام زمان را از دیده ها پنهان نمی کرد».۹

این دعا را هر روز بخوان

اسم من «زُراره» است، من یکی از یاران امام صادق(ع) هستم، یکٔ روز آن حضرت رو به من کرد و چنین فرمود:

روزگاری که امام زمان از دیده ها پنهان شود، شیعیان ما در انتظار او خواهند بود، امّا مردم دیگر دچار شکّ خواهند شد، عدّه ای خواهند گفت که اصلاً به دنیا نیامده است، عدّه ای هم به این باور خواهند بود که او از دنیا رفته است، امّا شیعه واقعی ما در انتظار آمدن او خواهد بود. آن روز همه مردم امتحان خواهند شد تا کسانی که اهل شکّ و تردید هستند از دیگران جدا شوند. آری! آن روز، روز امتحان است. اگر تو در آن روزگار بودی تلاش کن تا همواره این دعا را بخوانی.

کدام دعا را؟

دعایی را که به تو می آموزم بارها بخوان، دست به سوی آسمان بگیر و با تمام وجودت، خدای خود را صدا بزن و چنین بگو:

«ای خدای من! از تو می خواهم که شناخت خودت را به من عنایت کنی زیرا اگر من تو را نشناسم، به

پیامبر تو هم باور نخواهم داشت.

خدایا! از تو می خواهم که شناخت پیامبر خودت را به من بدهی که اگر پیامبرت را نشناسم امام خود را هم نخواهم شناخت.

خدایا! از تو می خواهم شناخت امام زمان را که نماینده توست به من عطا کنی که اگر امام زمان را نشناسم، گمراه خواهم شد و دین خود را از دست خواهم داد». ۱۰

وقتی کسی دارد غرق می شود

یادم نمی رود روزی که برای شنا به استخر رفته بودم، البتّه من شناگر ماهری نیستم، بیشتر مواقع، برای رفع خستگی به آب می زنم. همین طور که مشغول شنا بودم، نگاهم به نوجوانی ده ساله افتاد که داشت در آب دست و پا می زد، او ناخودآگاه به قسمت عمیق تر استخر آمده بود، خدای من! او داشت در آب غرق می شد!

با عجله به سوی او رفتم، او را در آغوش گرفتم و از آب بیرون آوردم و به کنار استخر بردم، بعد از مدّتی حال او خوب شد، امّا من هیچ گاه این خاطره را فراموش نمی کنم، وقتی که آن نوجوان در حال غرق شدن بود، با تمام وجودش التماس می کرد که کسی او را نجات بدهد. او حتّی نمی توانست فریاد بزند، من فقط چشمان او را می دیدم که یک دنیا حرف می زد.

خلاصه آن روز من یک «غریق» را دیدم، کسی که داشت در آب غرق می شد.

اکنون که این خاطره را برایت گفتم، می خواهم سخنی از امام صادق(ع) را برایت نقل کنم. یک روز ابن سَنان خدمت آن حضرت رسیده بود. آن روز امام به او رو کرد و چنین گفت:

ای ابن سَنان! روزگاری فرا می رسد که امام شما از دیده ها پنهان می شود و فتنه ها به سوی شما هجوم آورند؛ در آن

روز فقط کسی نجات پیدا می کند که دعایِ غریق را بخواند.

دعای غریق؟ آیا منظور شما این است که باید مانند کسی دعا کنیم که در حال غرق شدن است؟ آیا می شود این دعا را به من بیاموزید؟

ای سِنان! در آن روزگار سخت، باید این دعا را بخوانید: «یا اللّه ُ یا رَحمانُ یا رَحیمُ، یا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ، ثَبِّتْ قَلْبی عَلی دینِکَ». ای خدای مهربان و بخشنده! ای کسی که قلب ها به دست توست، از تو می خواهم که قلب مرا بر دین خودت ثابت کنی و مرا از شکّ ها نجات بخشی.۱۱

دورغگویان را بشناسید

آقای من! فدایت شوم! زمان ظهور کی فرا خواهد رسید؟ کی حکومت شما تشکیل خواهد شد؟ کی به ظلم و ستم پایان خواهید داد؟

بدان که هر کس برای ظهور، وقت و زمانی را معیّن کند، دروغگوست. ما هرگز زمانی را به عنوان زمان ظهور معیّن نمی کنیم. شما مواظب باشید که فریب شیّادان را نخورید.

یعنی هر کس که زمان ظهور را معیّن کند دروغگوست؟

آری! از این به بعد هر وقت شنیدی یک نفر برای ظهور وقت معیّن می کند، بدون هیچ واهمه و ترسی او را دروغگو بخوان. او دروغگوست، ما اهل بیت(ع) هرگز برای ظهور زمانی را مشخّص نمی کنیم.

فهمیدم، شما می خواهید که شیعیانتان فریب نخورند و گرفتار دروغگویان نشوند.

کسانی که در امر ظهور عجله می کنند، سرانجام از راه درست منحرف می شوند، کسانی که تسلیم هستند و به آنچه خداوند مقدّر کرده است راضی هستند، نجات می یابند.

دوست خوب من!

آنچه برای شما نقل کردم، سخنان امام صادق(ع) است که به یاران خود فرموده است. امیدوارم که این سخنان را هرگز فراموش

نکنی و در دام دروغگویان گرفتار نشوی.

امر ظهور فقط به دست خداست، و هر کس که وقت ظهور را معیّن کند، دروغگوست.۱۲

خیلی دوست دارم مطلب دیگری را هم برایت بگویم، فرض کن خداوند تصمیم گرفته باشد که ظهور امام زمان در ده سال دیگر باشد، اگر یک نفر بیاید و به صورت کاملاً اتّفاقی بگوید که ظهور ده سال دیگر خواهد بود، آیا می توانی حدس بزنی که چه اتّفاقی خواهد افتاد؟

خدای متعال ظهور را به عقب خواهد انداخت تا آن شخصی که وقت ظهور را مشخّص کرد رسوا شود و دروغ او بر همه آشکار گردد.

امام صادق(ع) بارها گفته است که همه کسانی که وقت ظهور را معیّن می کنند دروغگو هستند، او بی جهت این را نگفته است، خدا اراده کرده است تا دروغِ همه کسانی که برای ظهور وقت معیّن کرده اند را به همه نشان بدهد، این قانون خداست و هرگز از آن کوتاه نمی آید.

شاید افرادی پیدا شوند که از سرِ دلسوزی و برای این که به خیال خودشان مردم را برای ظهور آماده کنند به پیش بینی ظهور اقدام نمایند، امّا آنها باید بدانند که به زودی دروغ آنها آشکار خواهد شد. این اراده خداست و با هیچ کس هم شوخی ندارد.۱۳

همه خوبی ها کجاست؟

اینجا شهر کوفه است، من در مسجد کوفه نشسته ام، مولایم علی(ع) در حال نماز است، من منتظر هستم تا نماز او تمام شود تا نزد او بروم و از سخنانش بهره مند شوم.

لحظاتی می گذرد، نماز تمام می شود، از جای خود برمی خیزم و به سوی محراب می روم و نزد امام خود می نشینم. سلام می کنم و جواب می شنوم. او با مهربانی به من نگاه می کند و من

آرامش را در قلب خود می یابم.

اکنون او صدایم می کند و من در پاسخ می گویم:

فدایت شوم مولای من!

روزی که شیعیان دچار اختلاف شوند تو چه خواهی کرد؟ روزگاری که هر گروه از گروه دیگر بیزاری بجوید و شیعیان من یکدیگر را دروغگو خطاب کنند.

آیا چنین روزی فرا خواهد رسید؟

آری!

به راستی در آن روزگار هیچ خیری نخواهد بود.

چنین مگو ! تو می توانی تمام خوبی ها را در آن زمان بیابی، زیرا در همان روزگار مهدی ما ظهور خواهد کرد.۱۴

خدا که عجله نمی کند

آقای من! تا کی باید صبر کنیم و شاهد باشیم که ستمکاران بر روی زمین حکومت کنند؟ تا کی باید ببینیم که حقوق مردم پایمال می شود و خون بی گناهان بر روی زمین ریخته می شود؟

شیعیان من! مواظب باشید که مبادا عجله کردن در امر ظهور شما را از راه راست منحرف کند! گروه زیادی به خاطر همین عجله کردن، دین خود را از دست دادند. بدانید که خدا با عجله کردن بندگان خود هرگز عجله نمی کند. ظهوری که شما در انتظار آن هستید زمان خاص خود را دارد، باید آن زمان فرا برسد، وقتی زمان آن فرا رسید حتّی یک لحظه هم تأخیر نخواهد شد.

دوست من! این هم سخنی دیگر از امام صادق(ع) بود که برای تو نقل کردم. ما باید برای ظهور امام زمان دعا کنیم، امّا باید تسلیم امر خدا باشیم و هرگز عجله نکنیم.۱۵

سفر آسمانی معراج

شب معراج بود و من به آسمان ها رفته بودم، آن شب، من مهمانِ خدا بودم، فرشتگان همه به دیدارم آمده بودند، بعد از دیدار آنها، من به سوی ملکوت رفتم، لحظه وصال فرا رسیده بود. صدایی به گوشم رسید:

ای محمّد! تو بنده من هستی و من خدای تو!

فقط مرا عبادت کن و فقط برای من سجده نما و فقط بر من توکّل کن که من تو را بنده خوب و پیامبر خود قرار دادم و

برادرت علی را به عنوان جانشین تو انتخاب نمودم.

علی، نماینده من در روی زمین است و امام و پیشوای بندگان من است و اوست که دین مرا زنده نگه خواهد داشت.

من به واسطه علی و فرزندان او که جانشینانش هستند به

بندگان خود مهربانی می کنم.

آخرین جانشین علی، مهدی است، کسی که قیام خواهد نمود، من زمین را به واسطه او زنده خواهم نمود. در روزگار او بندگان خوب من در روی زمین حکومت خواهند کرد، آن روز توحید در همه دنیا سایه خواهد افکند و کفر نابود خواهد شد.

من فرشتگانم را به یاری او خواهم فرستاد، بدان که او کسی است که بندگان مرا هدایت خواهد نمود.۱۶

مهدی کسی است که عیسی پشت سر او نماز خواهد خواند.۱۷

این است ثواب منتظر

آخر چگونه ممکن است یک نفر بیش از هزار سال عمر کند؟

این امام زمانی که شما به او اعتقاد دارید کی می آید؟

چرا تا به حال نیامده است؟

این سؤلات برای شما بسیار آشناست، بارها و بارها آن را شنیده ایم، دشمنان مکتب تشیّع تلاش می کنند با این سؤلات، اعتقاد به مهدویّت را در میان جوانان ما به چالش بکشند.

به هر حال دشمنان هر روز با نقشه های جدید به میدان می آیند تا این سرمایه بزرگ انتظار را از ما بربایند. مهم این است که ما بتوانیم تحت تأثیر شبهه و دسیسه های آنها واقع نشویم و بتوانیم از باور و اعتقاد خود، با دلیل و برهان دفاع نماییم.

یک روز من با خود فکر می کردم و می خواستم بدانم کسی که در این شرایط در اعتقاد به آموزه زیبای مهدویّت ثابت می ماند نزد خداوند چه جایگاهی دارد.

برای همین به کتاب های مختلفی مراجعه کردم و سخنان امامان معصوم را مطالعه نمودم و به سخن جالبی از امام سجاد(ع) برخوردم که دوست دارم آن را برای شما بیان کنم.

امام سجاد(ع) می فرمایند: «کسی که در روزگار غیبت امام زمان خود، بر ولایت ما اهل بیت(ع) باقی بماند، نزد

خدا مقامی بس بزرگ دارد و خداوند ثواب هزار شهید از شهدای جنگ بدر و اُحد را به او عنایت می کند».۱۸

تعجّب نکن! خدا به تو که در این روزگار زندگی می کنی و امام زمان تو غایب است، ثواب هزار شهید عنایت می کند. آیا می دانی راز این ثواب عظیم چیست؟

در جنگ بدر و اُحد گروهی از یاران پیامبر به فیض شهادت رسیدند، امّا آنان پیامبر و معجزات او را می دیدند و برای همین به راحتی می توانستند به یقین و باور برسند، امّا تو که امروز به قرآن ایمان آورده ای، نه پیامبر را دیده ای و نه امام خود را، ولی به مکتب تشیّع باور داری و به آموزه های زیبای آن ایمان داری، شب و روز منتظر آمدن امام زمان خود هستی، برای همین است که خدا به این باور و به این یقین تو، ارزش زیادی می دهد.

اشک در چشم دختر خورشید

روزهای پایانی عمر پیامبر است، دیگر همه فهمیده اند که به زودی پیامبر از میان آنها خواهد رفت و به اوج آسمان ها پرخواهد کشید.

آنجا را نگاه کن! فاطمه(س)، دختر پیامبر به سوی خانه پدر می رود، او می خواهد دیداری با پدر تازه کند ، وقتی او وارد اتاق می شود اشک در چشمانش حلقه می زند .

پیامبر نگاهی به دخترش می کند و می گوید:

دخترم ! چرا گریه می کنی ؟

چرا گریه نکنم حال آن که تو را در این حالت می بینم؟ ما بعد از تو چه خواهیم کرد ؟

دخترم ! صبر داشته باش و به خدا توکّل کن .

غم در چهره فاطمه(س) آشکار است ، پیامبر می خواهد سخنی بگوید تا دل دخترش شاد شود .

برای همین ، با دخترش چنین می گوید : «فاطمه

جانم ، آیا فراموش کرده ای که من ، پدر تو هستم و شوهر تو ، علی ، جانشین من است ، مگر علی بهترین مردم نیست ؟ مگر او اوّلین کسی نیست که به من ایمان آورده ؟ مگر او شجاع ترین مردم نیست؟» .

نگاه کن که چگونه لبخند شادی بر صورت حضرت فاطمه(س) نقش می بندد .

پیامبر سخن خود را ادامه می دهد :

آیا خوشحال شدی ، دخترم ؟ آیا می خواهی باز هم برایت سخن بگویم تا بیشتر خوشحال شوی ؟

آری!

دخترم ! بدان آن مهدی که عیسی پشت سر او نماز می خواند از فرزندان تو می باشد .

اینجاست که حضرت فاطمه(س) خیلی خوشحال می شود و دیگر از آن غم و اندوه اثری در چهره او باقی نمی ماند .۱۹

می خواهم به اوج برسم

آیا می خواهی در روز قیامت کنار حضرت علی(ع) و در درجه او باشی؟

حتماً می گویی: آخر چگونه چنین چیزی ممکن است؟

چگونه ممکن است یک نفری مثل من به آن مقام برسد. من هرگز نمی توانم خاک پای مولای خود هم باشم؛ چه برسد که بخواهم در همان درجه ای از بهشت باشم که مولایم در آنجاست.

امّا تو می توانی به این مقام برسی، این سخن من نیست، این سخن مولایم علی(ع) است.

می دانم دوست داری که این حدیث را برایت بخوانم.

این سخن را به دقت گوش نما:

حضرت علی(ع) فرمود: «مهدی ما از دیده ها پنهان می شود و غیبت او بسیار طولانی خواهد شد، شیعیان ما به جستجوی او خواهند بود ولی او را نخواهند یافت. بدانید هر کس در آن زمان بر دین خود باقی بماند و طولانی شدن غیبت امام، او را ناامید نکند، در روز قیامت کنار من

و در درجه من خواهد بود».۲۰

خوشا به حال کسانی که در این زمان، بر دین واقعی باقی بمانند!

به چه فکر می کنی؟

نام من «اَصبَغ» است، یکی از یاران حضرت علی(ع) هستم، اکنون می خواهم یک خاطره برای شما نقل کنم:

روزی از روزها دلم برای مولایم تنگ شده بود، با خود گفتم نزد آن حضرت بروم. از خانه بیرون آمدم و به مسجد کوفه رفتم، وقتی به مسجد رسیدم دیدم مولایم در گوشه ای از مسجد نشسته است و به چیزی فکر می کند، آثار حزن و اندوه را در صورت او می دیدم.

سلام کردم و او جواب مرا داد و بار دیگر به فکر فرو رفت. نمی دانستم چه چیزی مولای مرا ناراحت کرده است. رو به او کردم و گفتم:

مولای من! به چه فکر می کنی و چرا اندوهگین هستی؟

من به یازدهمین امامی که بعد از من می آید فکر می کنم، من به مهدی فکر می کنم. کسی که این دنیا را از عدل و داد پر خواهد نمود. همانا مهدی از دیده ها پنهان خواهد شد و همین غیبت، عدّه زیادی را دچار شکّ و گمراهی خواهد نمود؛ البتّه گروهی هم در همان روزگار بر اعتقاد خود ثابت خواهند ماند و سعادتمند خواهند شد.

مولای من! آیا چنین اتّفاقی روی خواهد داد؟ آیا امام از دیده ها پنهان خواهد شد؟

آری! در آن روزگار کسانی که بر امامت و اعتقاد بر مهدی باقی بمانند، نزد خدا بهترین بندگان او خواهند بود.۲۱

نگاه کن آفتاب را ببین !

مهمان امام صادق(ع) بودم، منتظر بودم تا آن حضرت برایم سخنی بگوید، او رو به من کرد و گفت:

روزگاری خواهد آمد که امام زمان شما از دیده ها پنهان خواهد شد و همه شما آن روز امتحان خواهید شد تا مقدار ایمان شما به امام خود مشخّص گردد.

در آن روز

عدّه ای خواهند گفت که امام زمان مرده است!! امّا مؤمنان در انتظار او خواهند بود و در دوری او اشک خواهند ریخت.

روزگـار غیبت امام زمان، روزگار سـختی خواهـد بود و بسیاری از مردم از دین خـدا بیرون خواهنـد رفت، فقط کسانی به راه درست باقی خواهند ماند که خداوند آنها را انتخاب کرده باشد.

آگاه باشید که در آن روزگار، دوازده پرچم دروغین برافراشته خواهد شد و مردم را در شکّ خواهد انداخت.

وقتی سـخن امام به اینجا رسـید، من به فکر فرو رفتم، به راستی که چه آینـده سـختی در انتظار شـیعیان است، روزی که امام از دیده پنهان شود و دروغگویان فرصت پیدا کنند و مردم را فریب دهند، در آن روز شیعیان چه خواهند کرد؟

دیگر نتوانستم طاقت بیاورم، ناخودآگاه اشکم جاری شد. امام صادق(ع) که گریه مرا دید صدا زد:

مُفَضَّل! چرا گریه می کنی؟

مولای من! به حال شیعیان گریه می کنم، وقتی دوازده پرچم دروغین برافراشته شود در آن وقت آنها چه خواهند کرد؟

آنجا را نگاه کن!

کجا را مولای من؟

پنجره را می گویم، آیا نور آفتاب را می بینی؟

آری!

بـدان که وقتی زمان ظهور فرا رسـد، هیـچ شکّ و شـبهه ای نخواهـد بود، راه حق و حقیقت، ماننـد این آفتاب روشن و واضـح خواهد بود.۲۲

نعمت پنهان و آشکار خدا

من آموخته ام که بایـد اهل فهم و تـدبّر باشم و قرآن را فقط برای ثواب نخوانم، قرآن کتابی است که برنامه زنـدگی ما را بیان کرده است، وقتی می بینم عـدّه ای بارهـا و بارها قرآن را از اوّل تا آخر می خواننـد ولی هیـچ توجّهی به معنای آن نمی کننـد، ناراحت می شوم.

روزی از روزها که داشتم قرآن را می خواندم به

این آیه رسیدم: (وَ اَسبَغَ عَلَیکم نِعَمَهُ ظاهِرَهً وَ باطِنَهً).۲۳

به فکر فرو رفتم، منظور خدا از این آیه چیست.خدا می گوید: «من به شما نعمت های آشکار و پنهان داده ام». چقدر خوب بود که تفسیراین آیه را می دانستم. آیا موافقی با هم به دیدار امام کاظم(ع) برویم و این سؤل را از او بپرسیم؟

مولای من! منظور خدا از نعمت آشکار و پنهان در این آیه چیست؟

ای محمّد اَزدی! منظور از نعمتِ آشکار، همان امام است که در میان مردم است و آنها می توانند او را ببینند، امّا منظور از «نعمت پنهان»، امامی است که از دیده ها پنهان باشد.

آیا می شود که امام، غایب شود و کسی او را نبیند؟

آری! امام دوازدهم برای مدّتی از دیده ها پنهان خواهد شد، البتّه درست است که او امام غایب است امّا یادش در قلب شیعیانش زنده خواهد بود و هرگز او را فراموش نخواهند کرد. وقتی او ظهور کند، برای دنیا، عدل و داد را به ارمغان خواهد آورد.۲۴

آرزوی جایگاه و مقام آنها را دارم

تو کیستی و از من چه می خواهی؟

نویسنده ای هستم که برای جوانان کتاب می نویسم.

خوب. چرا دنبال من می آیی، برو کتابت را بنویس!

یونس! من شما را می شناسم. شما یکی از بهترین یاران امام کاظم(ع)هستید، فکر می کنم الان هم نزد آن حضرت می روید، اجازه بده من هم همراهت بیایم.

با هم حرکت می کنیم و به سوی خانه امام می رویم. وارد خانه می شویم، سلام می کنیم و امام جواب سلام ما را می دهد. من قلم و کاغذ در دست می گیرم، فکر می کنم الان یونس یک سؤل از امام خواهد پرسید.

حدس من درست بود، یونس رو به امام می کند و

می گوید:

مولای من! آیا شما امام قائم هستید؟

یـونس! منظور تو از «قـائم» کیست؟ تو می خواهی بـدانی آن امـام قـائم که زمین را از عـدل و داد پر کرده و دشـمنان را نـابود خواهد کرد، کیست؟

آری! مولای من!

بـدان پنجمین امـام بعـد از من، «قـائم» است، همان کسـی که قیام خواهـد نمود و حکومت عـدل الهی را برپا خواهـد نمود. ای یونس! بدان که او مدّتی طولانی از دیده ها پنهان خواهد شد و بعداً ظهور خواهد نمود.

شیعیان در آن روزگار غیبت چه خواهند کرد؟

در آن روزگـار عـدّه ای از دین خود دست برخواهنـد داشت، امّـا دیگران بر اعتقـاد خود باقی خواهنـد مانـد و منتظر آمـدن او خواهنـد بود. ای یونس! خوشـا به حـال آن کسـانی که در روزگـار غیبتِ امام زمان، بر ولایت ما ثابت بماننـد و از دشـمنان ما بیزاری جویند.

آنها چه جایگاه و مقامی خواهند داشت؟

چه چیزی بهتر از این که آنان از ما خواهنـد بود و ما نیز از آنان. آنها ما را به عنوان امامان خود انتخاب کرده انـد و ما نیز آنان را به عنوان شیعیان خود!

مولای من! آنها در روز قیامت کجا خواهند بود؟

ای یونس! شـیعیانی که روزگار غیبت فقط بر ولایت و امامت امام زمان باقی بماننـد، به خـدا قسم، در روز قیامت در جایگاه و درجه ما خواهند بود.۲۵

چه نیازی به آل محمّد داریم؟

قسم به کسـی که جان من در دست اوست، روزگاری فرا می رسـد که فرزنـد من، مهـدی از دیـده ها پنهان می شود، آن روز مردم در ولادت او شکّ می کنند، عدّه ای می گویند که ما دیگر هیچ نیازی به آل محمّد(ص) نداریم!

هر کس آن روزگار را درک

کند، باید بسیار هوشیار باشد تا مبادا دین خود را از دست بدهد.

مبادا در آن روز شکّ به دل خود راه بدهید. شیطان می خواهد ایمان شما را از شما برباید.

فراموش نکنید، شیطان بود که حضرت آدم را از بهشت بیرون راند، مواظب دسیسه های او باشید، از خدا یاری بجویید.۲۶

* * *

آری، شیطان دشمنی است که قسم یاد نموده است مانع سعادت ما بشود. او می داند که اعتقاد به امام زمان، باعث نجات ما از همه سیاهی ها و ناامیدی ها می شود، برای همین است که شیطان تلاش می کند تا در این اعتقاد، شکّ و تردید ایجاد نماید.

چرا اشک آفتاب جاری شد؟

دلم می خواهد با شاعران روزگار خویش چنین سخن بگویم: چرا شما برای خلیفه ستمکار شعر می گویید و او را مدح می کنید؟ از خدا نمی ترسید؟

می دانم که خلیفه به شما سکّه های طلای زیادی می دهد، امّا بدانید این سکّه هایی که شما با آن خوشحال می شوید، چیزی جز آتش جهنّم نیست.

شما این همه ظلم و ستم را می بینید و باز هم برای عدالت دروغین خلیفه شعر می سازید؟ وای بر شما!

به من می گویید که ما هنرمند هستیم و باید کار خود را بکنیم، امّا شما دروغ می گویید، شما هنرمند نیستید، هنرمند کسی است که همچون من، حکومت به دنبال سرِ اوست و برای کشتنش جایزه قرار داده است!

می دانم سخن گفتن با شما فایده ندارد، شما هنرمند حکومتی هستید و من هنرمند آسمانی!

تو چرا این طور به من نگاه می کنی؟ حتماً می خواهی بدانی من کیستم. من دِعبِل هستم. شاعری که فقط برای اهل بیت(ع) شعر می گوید و ظلم ستمکاران را برملا می کند.

با من بیا! امروز می خواهیم نزد امام رضا(ع) برویم، من می خواهم قصیده زیبای خود

را برای آن حضرت بخوانم. البتّه شعر من به زبان عربی است. من شاعری عرب زبان هستم.

* * *

نگاه کن! دِعبِل دارد شعر می خواند و قطرات اشک بر گونه های امام رضا(ع) جاری شده است!

به راستی چرا امام اشک می ریزند؟ مگر دِعبل در این شعر خود چه گفت که این گونه اشک امام جاری شد؟

«خُرُوجُ إمامٍ لا مَحالَةَ خارِجٌ/ یَقُومُ عَلی اسْمِ اللّه ِوَ البَرَکاتِ: روزی فرا می رسد که امامی از شما قیام می کند، او قیام خود را با نام خدا آغاز خواهد نمود، حق را زنده کرده و باطل را نابود خواهد کرد».

اکنون امام رضا(ع) رو به دِعبل می کند و می گوید:

ای دعبل! این شعر را جبرئیل بر زبان تو جاری کرده است. آیا می دانی آن امامی که قیام خواهد نمود کیست؟

خیر، مولای من! نمی دانم. من فقط شنیده ام که از میان شما اهل بیت(ع)، امامی قیام خواهد کرد و زمین را پر از عدل و داد خواهد نمود و به همه پلیدی ها پایان خواهد داد.

ای دعبل! بدان که امام بعد از من، امام جواد(ع) است و امام بعد از او امام هادی(ع) خواهد بود. بعد از او، امام حسن عسکری(ع)، امام یازدهم است. امام بعد از او، مهدی(ع) است، همان که امامِ قائم است. او روزگاری از دیده ها پنهان خواهد بود و شیعیان در انتظار او خواهند بود. بدان! اگر از عمر دنیا، فقط یک روز باقی مانده باشد، خدا آن روز را آن قدر طولانی می کند تا او ظهور کند. او خواهد آمد و دنیا را پر از عدل و داد خواهد نمود.

۲۷منتظر سیصد و سیزده نفر هستم

نمی دانم تا به حال

به شـهر ری رفته ای تا «شاه عبدالعظیم» را زیارت کنی؟ او یکی از نوادگان امام حسن(ع) است که از مدینه به شهر ری هجرت کرد و در همان شهر از دنیا رفت.

امروز قبر او، یکی از زیارتگاه های کشور عزیزمان ایران است.

او در زمان امام جواد(ع) زندگی می کرد. اکنون می خواهم حدیثی را که او از امام جواد(ع) نقل کرده، برای شما بگویم:

یـک روز که او به دیـدار امـام جواد(ع) رفته بود، آن حضـرت به او چنین فرمود: «ولادت امام قائم که دنیا را پر از عـدل و داد خواهد کرد، بر همه مخفی خواهد بود، او مدّتی طولانی از دیده ها پنهان خواهد بود. وقتی سیصد و سیزده نفر از یارانش گرد او جمع شوند او ظهور خواهد کرد. این سیصد و سیزده نفر از تمام دنیا به سوی او خواهند آمد. بعد از آن، وقتی لشکر ده هزار نفری او آماده شود او قیام خواهد کرد و دشمنانش را به سزای اعمالشان خواهد رسانید».۲۸

خوشا به حال کسانی که در لشکر امام زمان باشند و جانشان را فدای امام خویش نمایند.

چرا آفتاب را فراموش می کنید؟

من به دیدار امام جواد(ع) رفته بودم و دوست داشـتم از آن حضـرت در مورد امام دوازدهم سؤالی بکنم. به او گفتم: آقای من! امام بعد از امام حسن عسکری چه کسی خواهد بود؟

ناگهان دیـدم که امام جواد(ع) شـروع به گریه کردن کرد. من خیلی تعجّب کردم، راز این گریه امام بر من مخفی بود. قطرات اشک از گونه امام جواد(ع) فرو می غلتید. لحظاتی گذشت و بعد از آن در جواب من چنین فرمود:

ای پسر ابی دُلَف! بدان که امام دوازدهم، همان امام

قائم است؟

مولای من! چرا آن حضرت را «قائم» می نامند؟

زیرا او کسی است که برای اجرای عدالت قیام می کند، او وقتی قیام می کند که گروه زیادی او را فراموش کرده اند. روزگاری فرا می رسد که مردم در امامت او شکّ می کنند زیرا او مدّتی طولانی از دیده ها پنهان می شود و کسی از او خبر ندارد.

مردم در آن زمان چگونه خواهند بود؟

شیعیان خوب ما منتظر ظهور خواهند بود و عدّه ای هم اعتقاد به مهدویّت را مسخره خواهند کرد. کسانی که وقت و زمانی را برای ظهور معیّن کنند، سخنانشان دروغ از آب در خواهد آمد. هر کس در امر ظهور عجله کند هلاک شده و از راه راست منحرف خواهد شد. فقط کسانی که تسلیم امر خدا هستند نجات پیدا خواهند کرد.۲۹

در آن کتاب چه خواندی که گریان شدی؟

نام من «سَدیر» است. من همراه با دوستانم از کوفه به مدینه آمدیم تا به دیدار امام صادق(ع) برویم. راه طولانی کوفه تا مدینه را به عشق دیدار امام خود پشت سر گذاشتیم. وقتی به مدینه رسیدیم اوّل به زیارت حرم پیامبر رفتیم و بعد از آن به سوی خانه امام صادق(ع) رهسپار شدیم. من وقتی وارد خانه آن حضرت شدم، منظره ای را دیدم که خیلی تعجّب کردم. دیدم که امام صادق روی زمین نشسته است و مشغول گریه است. من خودم قطرات اشک را دیدم که از صورت امام فرو می غلتید.

ما سلام کردیم و جواب شنیدیم. بعد از آن دیدیم که امام چنین سخن می گوید:

آقای من! غیبت و دوری تو خواب را از چشم من ربوده است، کاسه صبرم را لبریز کرده است. من در دوری تو، دیگر آرام

و قرار ندارم.

مولای من! غیبت تو غم ها را به دل من آورده است...

* * *

وقتی من این سخنان را از امام شنیدم، بسیار نگران شدم، خیال کردم مصیبت بزرگی بر امام وارد شده است! جلو رفتم و گفتم:

ای فرزند رسول خدا! چه شده است؟ چرا این گونه گریه می کنید؟

امروز صبح کتابی را می خواندم که از حضرت علی(ع) به دست من رسیده است. در آن کتاب، حوادثی که تا روز قیامت در دنیا روی خواهد داد، آمده است.

آقای من! شما در آن کتاب چه خواندید که چنین نگران شدید؟

در آن کتاب خواندم که امامِ قائم، مدّتی طولانی از دیده ها پنهان خواهد شد، در آن روزگار شیعیان ما امتحان خواهند شد و گروهی از آنها در امامت مهدی ما، به شکّ افتاده و دست از دین خود برخواهند داشت. وقتی من این حوادث را خواندم، غم و غصّه به دلم آمد و اشکم جاری شد.

آقای من! آیا می شود برای ما در مورد امامِ قائم سخنی بفرمایید؟

بدانید که قائم ما شبیه چهار پیامبر خواهد بود.

آن پیامبران کدامند؟

موسی و عیسی و نوح و خضر؟

شباهت مهدی به موسی چگونه است؟

فرعون می دانست که حکومت او به دست موسی نابود خواهد شد امّا نمی دانست که موسی در کدام خانواده به دنیا خواهد آمد، برای همین دستور داد بیست هزار نوزاد از بنی اسرائیل را کشتند تا شاید بتواند موسی را نابود کند، امّا خداوند موسی را از شرّ فرعون نجات داد. دشمنان ما هم تلاش خواهند کرد تا قائم ما را به قتل برسانند، امّا آنان هرگز موفّق

نخواهند شد.

آقای من! شباهت مهدی به عیسی چیست؟

مسیحیان بر این باور هستند که عیسی به دار آویخته شده و کشته شده است، ولی قرآن می گوید که او زنده است و هرگز دشمنان نتوانستند او را به قتل برسانند. آری! عیسی زنده است ولی الان از دیده ها پنهان می باشد. همین طور قائم ما هم از دیده ها پنهان خواهد شد. در آن روزگار، گروهی خواهند گفت که او اصلاً به دنیا نیامده است، گروه دیگر خواهند گفت که او مرده است!!

آقای من! شباهت مهدی به نوح چگونه است؟

مدّت زیادی نوح در میان قوم خودش بود و آنها را به سوی خدا دعوت می کرد و آنها قبول نمی کردند، تا آن زمان که خدا تصمیم گرفت عذاب را بر آنان نازل کند. در آن هنگام جبرئیل بر نوح نازل شد و هفت هسته درخت به نوح داد.

آن هسته ها برای چه بودند؟

جبرئیل به نوح گفت که این هسته ها را در زمین بکارد، وقتی که این هسته ها تبدیل به درختان تنومندی شدند، عذاب کفّار فرا خواهد رسید. نوح این خبر را به یاران خود داد و همه خوشحال شدند، آنها سال ها صبر کردند تا آن هسته ها به درختان تنومندی تبدیل شدند.

آیا آن وقت عذاب بر کفّار نازل شد؟

وقتی همه منتظر وعده خدا بودند جبرئیل نازل شد و به نوح دستور داد تا هسته آن درخت ها را بگیرد و آن را در زمین بکارد، هر وقت که این هسته های جدید تبدیل به درخت شدند عذاب کفّار نازل خواهد شد. وقتی نوح این سخن را به یاران خود گفت عدّه زیادی از آنان

از دین برگشتند و با خود گفتند اگر نوح بر حق بود، هرگز چنین نمی شد.

سرانجام چه شد؟

خدا آن قدر یاران نوح را امتحان کرد تا عدّه کمی باقی ماندند، خدا هفت بار به نوح دستور داد تا هسته های جدید بکارد. خیلی ها از دین دست برداشتند و فقط هفتاد و دو نفر باقی ماندند.

بعد از آن چه شد؟

خدا آن وقت به نوح دستور داد تا مشغول ساختن کشتی شود و بعد از مدّتی طوفان، همه کفّار را نابود کرد. غیبت قائم ما هم آن قدر طول می کشد تا کسانی که اهل شکّ و تردید هستند از صف مؤمنان و شیعیان ما جدا شوند.

آقای من! شباهت مهدی به خضر چیست؟

خدا می دانست که قائم ما، عمری طولانی خواهد داشت و غیبت او طولانی خواهد شد. برای همین به خضر هم عمری طولانی عنایت کرد تا شاهدی برای عمر طولانی قائم ما باشد.۳۰

دعایی برای همه منتظران

دوست خوب من! اکنون می خواهم دعایی را برای شما بنویسم که نائب دومِ امام زمان در عصر «غیبت صُغری» آن را نقل کرده است:

خدایا! مرا در راه اطاعت از امام خود موفّق بدار، همان امامی که او را از دیده ها پنهان نموده ای.

می دانم که امامِ من، منتظر فرمان توست تا به او دستور دهی و او ظهور کند.

خدایا! تو خود بهتر می دانی که چه موقع باید اجازه ظهور امام مرا بدهی، پس به من صبری عنایت کن تا در امر ظهور، عجله نکنم. خدایا! مرا در این امر ظهور، بردبار قرار بده تا نه تعجیل آن را بخواهم و نه تأخیر آن را!

خدایا! به تو پناه می برم از این که

به حکمت تو اعتراض کنم و بگویم: «چرا امام زمان ظهور نمی کند؟».

خدایا! از تو می خواهم که مرا تسلیم حکمت خودت قرار دهی. آمین.۳۱

* * *

دوست من! کمی در این دعا فکر و تأمل کن، ما در این دعا از خدا نمی خواهیم که دیگر مشتاق ظهور نباشیم، بلکه این دعا به ما می آموزد که از عجله کردن و اعتراض کردن به حکمت خدا دست برداریم. ما با تمام وجود برای ظهور دعا می کنیم، امّا اگر خداوند دعای ما را مستجاب نکرد هرگز به حکمت خدا اعتراض نمی کنیم.

ما دیگر خسته شده ایم

ای موسی! ما تا کی باید زیر این همه ظلم و ستم باشیم؟ خدا کی می خواهد ما را از دست این همه ظلم ها و ستم ها نجات بدهد.

شما باید صد و هفتاد سال دیگر صبر کنید تا نجات دهنده شما بیاید و شما را از ظلم و ستم فرعونیان نجات بدهد.

ای موسی! ما طاقت نداریم این همه سال صبر کنیم. آیا راهی نیست که روزگار رهایی ما فرا برسد؟

تنها راه آن، دعا است. اگر از صمیم قلب از خدا بخواهید، او دعای شما را مستجاب خواهد کرد.

ما چهل روز دعا خواهیم کرد، گریه خواهیم نمود و از خدا نجات خود را خواهیم خواست.

* * *

بنی اسرائیل چهل روز به دعا و نیایش پرداختند، در آن موقع ظلم و ستم فرعون زیادتر شده بود، بنی اسرائیل با تمام وجود خدا را صدا زدند و از او خواستند تا روزگار رهایی و نجات آنها را فرا برساند.

هنوز مدّت زیادی تا لحظه موعود باقی مانده است، آیا ممکن است خدا زودتر از آن لحظه موعود، بنی اسرائیل را

نجات بدهد؟

آری! برای خدا هر کاری ممکن است. او اراده می کند و لحظه رهایی بنی اسرائیل صد و هفتاد سال زودتر فرا می رسد!!

و این گونه بود که خدا به موسی(ع) وحی کرد که لحظه رهایی فرا رسید، تو بنی اسرائیل را شبانه از مصر خارج کن و من به زودی زود فرعون و سپاه او را نابود خواهم کرد.

* * *

حکایتی را که برای شما نقل کردم حدیث امام صادق(ع) است، آن حضرت بعد از نقل این جریان، فرمود:

دیدید که خدا چگونه دعای بنی اسرائیل را مستجاب کرد و حدود نیمی از روزگار رنج و عذاب آنها، کم کرد؟ اگر شیعیانِ ما هم با تمام وجود، ظهور قائمِ ما را از خدا طلب کنند، خدا دعای آنها را مستجاب می کند و ظهور را خیلی زودتر فرا می رساند.۳۲

در خیمه یار خواهم بود

آیا می دانی بزرگ ترین آرزوی من چیست؟

آیا می دانی من همواره چه خواسته ای را از خدای خویش طلب می کنم؟ من آرزو دارم روزگار ظهور را درک کنم و جان خویش را فدای مولای مهربان خود نمایم.

این سخن جوانی بود که با من سخن می گفت، او می دانست که افراد بسیاری قبل از او این آرزو را داشته اند، امّا مرگ به آنها فرصت نداد و آنها از دنیا رفتند و به آرزوی خود نرسیدند.

من وقتی این سخن او را شنیدم با خود گفتم خوب است سخن امام صادق(ع) را برای او بگویم.

آن حضرت می فرماید: «کسی که در انتظار ظهور باشد و مرگ او فرا برسد، مانند کسی است که در خیمه امام زمان است».۳۳

* * *

آری! فرق نمی کند تو زمان ظهور را درک کنی یا نه، مهم این است که

تو به وظیفه خود عمل کنی.

اگر وظیفه خود را به درستی، تشخیص دادی و به آن عمل نمودی، بدان که تو به امام زمان نزدیک هستی، آن قدر نزدیک که گویا در خیمه اش حضور داری!

هر روز صبح سلام به آفتاب

وقتی تو روز جدیدی را آغاز می کنی حتماً یک سجده شکر به جا بیاور.

سجده شکر برای چه؟ مگر من بیکار هستم. باید زود، سر کار بروم، وقت ندارم.

حالا اگر وقت نداری که سجده بروی پس در قلب خودت از خدا تشکّر کن.

تشکّر برای چه؟

برای این که به تو نعمت شناخت امام زمان را عنایت کرد، در روزگاری که خیلی ها، آن آقای مهربان را فراموش کرده اند و او را از یاد برده اند، هنوز قلب تو به عشق آن آقا می تپد، آیا این شکر ندارد؟

راست می گویی! من تا به حال به این فکر نکرده بودم.

دوست من! سعی کن اوّل صبح به آقای خود سلام کنی، خودت می دانی که او تو را می بیند و سخن تو را می شنود.

مگر او امامِ غایب نیست؟

خیر! او فقط از دیده ها پنهان است، او هرگز غایب نیست، او حاضر است و به اذن خدا از همه چیز ما خبر دارد، وقتی از ما کار خوبی را می بیند خوشحال می شود و برای ما دعا می کند و اگر گناهی از ما سر بزند، ناراحت می شود.۳۴

می خواهی خدا به تو افتخار کند؟

سلام مرا به دوستانم برسان و پیام مرا به آنان برسان!

این سخن امام صادق(ع) است که هنوز در گوشم طنین انداز است. از شما چه پنهان که از آن روز دیگر زندگی من عوض شد، چگونه بگویم. زندگی من معنای دیگری یافت. امام از من خواسته بود تا پیامی را به همه شیعیان برسانم و من هم از هر فرصتی برای این کار استفاده می کردم.

می دانم تو هم دوست داری که پیام امام را برایت بگویم. راستی نمی خواهی اسم مرا

بـدانی؟ من «ابن سِرحان» هسـتم. این هم پیام امام صادق(ع) که به من چنین فرمود: «وقتی شـیعیان ما دور هم جمع می شوند و در مورد ما اهل بیت سـخن می گویند، فرشـتگان برای آنها دعا می کنند و از خدا برای آنها طلب رحمت و بخشش می کنند. ای شـیعیان! بدانید وقتی شـما در مجالس خود ما را یاد می کنید، خداوند به شـما افتخار و مباهات می کند. از شما می خواهم وقتی با هم هستیـد از ما اهل بیت یاد کنید، زیرا این کار شـما باعث می شود تا یاد ما و دین ما زنده بماند. آیا می دانید بهترین مردم چه کسانی هستند؟ کسانی که همواره ما را یاد کنند و یاد ما را در دل مردم زنده نگه دارند».۳۵

دوست خوب من! اکنون که پیـام امـام صـادق(ع) را شـنیدی، سـعی کن تـا در هر جا که رفتی و با هر کس که نشـستی از امام زمان(ع) یاد کنی، نگذاری که آن آقای مهربان از یادها برود و مردم به جای او به چیزهای دیگری فکر کنند.

تو می توانی کاری کنی که دوسـتانت، همه با یاد امام زمان مأنوس شونـد، تو می توانی کاری کنی که خـدا به تو افتخار کند. آری! تو می توانی!

برخیز! با خود عهد کن تا زنده کننده یاد مولای خویش باشی!

به دنبال بهترین عبادت ها

حتماً می دانی که خداوند، در قرآن، هدف از آفرینش انسان را عبادت و بندگی معرّفی کرده است.

«ما خَلَقتُ الجِّنَ وَ الانسَ إلاّ لِیَعبُدُونَ: جنّ و انسان را فقط برای عبادت خلق نمودم»۳۶.

اکنون که دانستی هدف خلقت چیست، می خواهم یک سؤال از شما بپرسم: به نظر شما بهترین عبادت ها کدام است؟

شاید بگویی نماز، روزه و یا حجّ خانه خدا.

امّا

اگر این سؤال را از پیامبر بپرسیم، آیا می توانید حدس بزنید او چه جوابی خواهد داد؟

خوب است سخن پیامبر را برای شما نقل کنم: «أفضَلُ العِبادَهِ إنتِظارُ الفَرَجِ: بهترین عبادت، انتظار فرج و گشایش است».[۳۷]

تو خود می دانی که بـا ظهور امـام زمـان(ع) در همه کارها گشایش صورت می گیرد و گره بسته آن باز می شود، پس انتظار ظهور امام زمان(ع)، بهترین عبادت است.

شاید بگویی چگونه ممکن است یک انتظار ساده از همه عبادت ها بالاتر و بهتر باشد.

در جواب می گویم: سخن ما در مورد یک انتظار ساده نیست، بلکه ما در مورد انتظار واقعی سخن می گوییم. کسی که منتظر امام زمان(ع) است، در واقع منتظر همه خوبی ها است و معلوم است که در زنـدگی چنین شخصـی، زیبایی ها رشـد می کند و جلوه می یابد، زیرا تو به هر چه فکر کنی و در انتظارش باشی، آن چیز در زندگی تو رشد می کند. این یک قانون است. هیچ وقت آن را فراموش نکن!

هر روز صبح چنین بگو

بار خدایا! من امروز صبح و در همه روزهای زندگی ام، با امام خود تجدید پیمان می کنم.

من تلاش می کنم تا هرگز از این پیمان خود دست برندارم و آن را فراموش نکنم.

ای خدای مهربان!

از تو می خواهم تـا مرا از یاران باوفای امام قرار بـدهی. من دوست دارم از کسانی باشم که جانشان را فـدای او می کننـد و در رکاب او به فیض شهادت می رسند.

بار خدایا! این زمین مرده را با ظهور امام زمان(ع) زنده کن.

اگر مرگ من قبـل از ظهور آقـایم فرا رسـید از تو می خواهم که در روزگـار ظهور، بار دیگر مرا زنـده کنی تا به آرزوی خود برسم و مولای خود را یاری

کنم و جانم را فدایش نمایم.۳۸

* * *

این قسمتی از دعای «عَهْد» است که مستحب است هر روز بعد از نماز صبح آن را بخوانی. سعی کن هر روز، با امام خود عهد و پیمان ببندی که همواره در راه او قدم برداری.

عشق روزگار جوانی من چه شد؟

پیرمرد چرا گریه می کنی؟ چه شده است؟

ای امام صادق(ع)! چرا گریه نکنم؟ آقای من! از جوانی تا به امروز منتظر ظهور دولت شما هستم. هر روز پیش خود گفته ام که به زودی حکومت شما تشکیل خواهد شد و من روزگار عزّت شما را خواهم دید. اکنون دیگر پیر شده ام و مرگ در چند قدمی من است. من هنوز به آرزوی خود نرسیدم.

ای پیرمرد! نگران نباش! اگر تو آن قدر زنده بمانی که قائم ما را ببینی خداوند به تو مقامی بس بزرگ خواهد داد.

امّا اگر مرگ من فرا برسد و من تا آن موقع زنده نباشم چه می شود؟

اگر تو قبل از روزگار ظهور از دنیا بروی، بدان که در روز قیامت با ما خواهی بود. تو با اهل بیت پیامبر همراه خواهی بود.

مولای من! من با سخن شما آرام شدم و خاطرم آسوده گشت. به راستی که سخنان شما شفای دل هاست.

ای پیرمرد! بدان که قائم ما قبل از این که ظهور کند، برای مدّتی طولانی، از دیده ها پنهان می شود. در آن روزگار بعضی از شیعیان ما در فتنه ها گرفتار می شوند و در مورد امام قائم به شکّ می افتند. من از خدا می خواهم تا آنان را یاری کند تا بر اعتقاد خود ثابت باقی بمانند.۳۹

در سجده چه دعایی می خوانی؟

قبول باشد، امشب شب قدر است و تو از اوّل شب تا الان که سحر است، مشغول دعا و نیایش بودی. اکنون کجا می روی؟ دیگر وقت زیادی تا اذان صبح باقی نمانده است.

جواب مرا نمی دهی و به راه خودت ادامه می دهی. من هم به دنبال تو می آیم. تو در کوچه ای می پیچی که بوی

بهشت به مشام می رسد، کنار خانه ای می ایستی، در می زنی و وارد خانه می شوی.

اکنون می فهمم که تو چقدر باهوش هستی. تو می خواستی در بهترین لحظه سال، کنار امام خود باشی.

آفرین بر تو!

آخرین لحظه شب قدر خود را به امام صادق(ع) رسانده ای، تو به دیدار آسمان آمده ای!

لحظاتی می گذرد، نماز صبح برپا می شود، بعد از نماز، امام به سجده می رود و دعا می خواند.

تو صدای امام را می شنوی، او دارد با خدای خود راز و نیاز می کند: «خدایا تو را به عظمت و بزرگی خودت قسم می دهم تا بر محمّد و آل محمّد درود بفرستی و ظهور آن کسی را نزدیک کنی که با ظهورش ستمکاران نابود خواهند شد و خوبان از گرفتاری نجات پیدا خواهند نمود. بار خدایا! در امر ظهور او تعجیل فرما و ظهورش را زودتر برسان». تو صبر می کنی تا امام سر از سجده بردارد، اکنون رو به او می کنی و می گویی:

آقای من! آن کسی که ظهورش را از خدا خواستید چه کسی است؟

او امامِ قائم است؛ مهدی موعود. تو باید شب و روز چشم به راه او باشی.۴۰

چه چیز تو را نجات می دهد؟

اینجا قم است، پایتخت فرهنگی شیعیان. مردم این شهر از ابتدا با عشق به اهل بیت پیامبر آشنا شده اند و همواره تلاش می کنند در راه و آرمان آنان قدم بردارند.

آنجا را نگاه کن! کنار رودخانه، مردم مشغول ساختن مسجد هستند. همه از پیر و جوان در ساختن این مسجد کمک می کنند. آن پیرمرد را می بینی که در آنجا کار می کند. او گمشده من و توست. او «احمدبن اسحاق» است. او نماینده امام عسکری(ع) در این شهر است. مردم به او احترام زیادی می گذارند

و او را شیخ صدا می زنند.

تو رو به من می کنی و می گویی:

اگر او شیخ قم است پس چرا دارد مثل بقیّه کار می کند؟

مگر نمی دانی که این مسجد به دستور امام عسکری(ع) ساخته می شود، برای همین خود شیخ هم مثل بقیّه در ساختن مسجد کمک می کند. باید صبر کنیم تا کار شیخ تمام شود، من می خواهم از او سؤل مهمّی بنمایم.۴۱

چه سؤلی؟

شنیدم که او به تازگی از سامرا آمده است. او خدمت امام حسن عسکری(ع) بوده است. می خواهم از او بپرسم که مهم ترین سخن امام در این سفر چه بوده است.

بعد از لحظاتی، نزد شیخ می رویم، او به گرمی از ما استقبال می کند و برای ما چنین می گوید: «آن روز که خدمت امام عسکری(ع) بودم، او رو به من کرد و چنین فرمود: ای احمد بن اسحاق! به خدا قسم فرزندم مهدی برای مدّتی طولانی از دیده ها پنهان خواهد شد. در آن روزگار مردم زیادی از دین خدا دست برداشته و بنده شیطان می شوند. من سوال کردم که در آن روزگار چه کسی از این فتنه ها نجات پیدا می کند؟ امام در پاسخ من فرمود: فقط کسانی از آن فتنه ها نجات پیدا می کنند که بر اعتقاد به امامت مهدی ثابت بمانند و همواره برای ظهور دعا کنند».۴۲

* * *

از خدا می خواهم که ما را در اعتقاد به مهدویّت و ولایت امام زمان ثابت قدم نماید و توفیق دهد تا برای ظهور دعا کنیم. دعا برای ظهور، دعا برای همه زیبایی هاست. زیباترین دعای هستی این است:

اللهمَّ عَجِّلْ لِوَلِیِّکَ الفَرَجَ.

آیا خورشید پشت ابر را دیده ای؟

وقتی ابرها روی خورشید را می پوشانند، هنوز هم می توانی از نور خورشید

استفاده کنی، روشنایی روز از همین خورشید است، اصلاً وجود روز به خاطر همین خورشید است، اگر خورشید نباشد، دنیا در سرما و تاریکی نابود می شود.

از تو می خواهم در مورد خورشید فکر کنی، اگر بتوانی خورشید و اثرات آن را بشناسی، هرگز ابرها را مانع نمی دانی. این ابرها نمی توانند تو را از فیض خورشید محروم کنند.

دوست من!

اکنون می خواهم سخنی از امام صادق(ع) را برایت نقل کنم.

یک روز از او سؤال کردم: وقتی که امام زمان از دیده ها پنهان باشد، وجود او برای مردم چه فایده ای دارد؟

آن حضرت در جواب چنین گفت: «وجود امام زمان برای مردم فایده دارد، همان طور که خورشید پشت ابر برای شما فایده دارد».۴۳

خوشبخت ترین مرد اصفهان کیست؟

این روزها مردم اصفهان هنوز با مکتب اهل بیت(ع) آشنا نشده اند، دستگاه تبلیغات حکومت نمی گذاشت مردم با امامان معصوم(ع) ارتباط داشته باشند، برای همین در آن شهر، شیعه کمی یافت می شود. البتّه من می دانم به زودی این شهر به یکی از شهرهای مهمّی تبدیل خواهد شد که قلب مردم آن برای عشق به اهل بیت(ع) خواهد تپید.

به هر حال، اسم من «عبد الرّحمان» است و در اصفهان زندگی می کنم. امّا تعداد شیعیان بسیار کم است، شیعه شدن هر کدام از ما داستان جالبی دارد، امروز می خواهم داستان شیعه شدن خودم را برایت بگویم.

من مرد فقیری بودم، روزگار سختی بر من می گذشت، به هر دری می زدم تا شاید بتوانم از این فقر و نداری نجات پیدا کنم، موفّق نمی شدم.

من همیشه شرمنده همسر و دخترانم بودم، می دانی که برای یک مرد سخت است نتواند باعث خوشحالی و خوشبختی خانواده خود بشود.

وقتی وضع بدتر شد که فرماندار اصفهان مرا از

آن شهر بیرون کرد، این دیگر برای من قابل تحمّل نبود، تصمیم گرفتم به بغداد سفر کنم و درد دل خویش را با خلیفه بگویم. آن روزها من خیال می کردم که متوکّل عبّاسی، نماینده خدا بر روی زمین است و اطاعت او بر همه ما واجب است.

به سوی بغداد حرکت کردم، تا آن روز چیز زیادی از اهل بیت نشنیده بودم. من نمی دانستم که امام زمان من، امام هادی است و من باید به ولایت او اعتقاد داشته باشم.

خلاصه، بعد از پیمودن راه طولانی به بغداد رسیدم و با خود گفتم هر چه زودتر به قصر خلیفه بروم و مشکل خود را با او در میان بگذارم. وقتی به آستانه قصر رسیدم دیدم، هیاهویی بر پا شده بود، مأموران همه ایستاده اند، از یکی پرسیدم چه خبر شده است؟ او گفت که حضرت خلیفه بر امامِ شیعیان غضب کرده و دستور داده است او را به قصر بیاورند. حضرت خلیفه می خواهد او را مجازات کند، فکر می کنم دیگر روز قتل امامِ شیعیان فرا رسیده است.

من تعجّب کردم، شیعیان دیگر کیستند؟ امام آنها کیست؟ مگر همه ما یک رهبر بیشتر داریم که آن هم متوکّل است، آیا شیعیان برای خود رهبری غیر از خلیفه دارند؟

این سؤلاتی بود که ذهن مرا مشغول به خود کرده بود، با خود گفتم صبر می کنم تا امامِ شیعیان را ببینم.

لحظاتی گذشت، ناگهان دیدم که مأموران زیادی دور یک نفر حلقه زده اند، سرم را بالا آوردم، آقایی را دیدم که لبخند به لب داشت. نمی دانم چه شد که ناگهان قلبم فرو ریخت، محبّت او به دلم آمد، احساس کردم که این آقا را خیلی

دوست دارم. با خود گفتم: آخر چرا متوکّل می خواهد این آقا را به قتل برساند؟

اینجا بود که آرام شروع به دعا کردم: خدایا! از تو می خواهم این آقا را از شرّ متوکّل نجات دهی! خدایا! خودت نگهدار او باش!

من مشغول دعا بودم که دیدم آن آقا به من نزدیک شد، وقتی درست مقابل من رسید چنین گفت: خدا دعای تو را مستجاب کرد و عمر تو را طولانی و به تو ثروت زیاد و پسران متعددی عطا خواهد کرد.

وقتی این سخنان را شنیدم، خیلی تعجّب کردم، این آقا کیست که از راز دل من خبر دارد؟

آن آقا وارد قصر شد، من منتظر ماندم، دیدم که بعد از مدّتی به سلامت از قصر خارج شد. من خدا را شکر نمودم.

به اصفهان بازگشتم، بعد از مدّتی کوتاه، دنیا به من رو کرد، آیا می دانی الان در خانه چقدر پول نقد دارم؟

به برکت دعای امام هادی، همین الان یک میلیون سکّه نقره در خانه خود دارم، این غیر از آب و املاکی است که در اصفهان خریداری کرده ام.

دیگر برای تو چه بگویم؟ خدا به برکت دعای امام، چندین پسر به من داد، امروز من خوشبخت ترین مرد این شهر هستم. این فقط به خاطر دعایی بود که امام برای من نمود.

آری! من یک بار فقط یک بار برای امام زمان خود دعا کردم، او هم به خاطر این دعای من، در حقّ من دعا کرد و زندگی من این قدر برکت گرفت.

اکنون با تو هستم. تو چقدر برای امام زمان خود دعا می کنی؟ تو که باور داری او متوجّه دعاهای تو می شود، کاری کن او برای تو دعا کند.۴۴

خدا کند که بیایی

مولای من! آقای من!

کاش می دانستم که تو در کجا هستی! بر من سخت است که بتوانم همه مردم را ببینم امّا از دیدار تو محروم باشم! صدای همه را بشنوم و صدای تو را نشنوم!

چشمان من برای تو گریان است، بر من سخت است ببینم که دیگران تو را از یاد برده اند.

آیا کسی هست در گریه کردن مرا یاری کند؟

جانمان فدای تو که از ما هرگز جدا نیستی!

مولای من! تا به کی در انتظار ظهور تو سرگردان باشم؟ من چگونه با تو راز دل خویش بگویم؟

من از تو دم می زنم ولی می بینم که مردم تو را از یاد برده اند، این بر من بسیار سخت است.

ای فرزند پیامبر!

آیا راهی هست که من تو را ببینم؟ تو خود می دانی که بی تاب تو گشته ام؟ کی خواهی آمد تا تو را ببینم؟ کی خواهی آمد تا مثل همه یارانت در رکاب تو حاضر شوم و تو را در برپایی عدالت یاری کنم؟

ای خدای مهربان!

تو خود از سوز دل ما آگاه هستی، از تو می خواهیم ظهور مولای ما را برسانی و این دل غمدیده ما را شفا بدهی!**۴۵**

* * *

دوست من! این قسمتی از دعای نُدبه بود که برای تو ذکر کردم، مستحب است این دعا را روزهای جمعه بخوانی و با مولای خودت راز و نیاز کنی.

سخن آخر

در پایان، دعایی را که نایب دوم امام زمان(ع) در غیبت «صُغری» بیان کرده است، برای شما می نویسم. چقدر زیباست که ما همواره خدای خویش را این گونه بخوانیم و هرگز از یاد امام خویش غافل نشویم:

* * *

بار خدایا! روزگاری است که امامِ من از دیده ها

پنهـان شـده است! ، از تـو می خـواهم کمکم کنی تـا من دست از دین و آیین خـود برنـدارم. من به تـو پنـاه می برم از این که طولانی شدن روزگار غیبت، باعث شکّ و تردید من بشود.

از تو می خواهم که توفیق دهی تا همیشه به یاد امامِ خود باشم و او را فراموش نکنم.توفیقم بـده برای ظهور او دعا کنم! مرا در زمره یاران او قرار ده!

ایمان مرا به امام زمان خویش، زیاد و زیادتر بگردان و از یاد او مرا غافل مگردان.۴۶

آمین.

منابع

۱ . الاحتجـاج علی أهل اللجاج ، أبو منصور أحمـد بن علی الطبرسـی (ت ۶۲۰ ه)، تحقیق: إبراهیم البهادری ومحمّـد هادی به، طهران : دار الاُسوه ، الطبعه الاُولی ، ۱۴۱۳ ه .

۲ . الاختصاص ، المنسوب إلی أبی عبـد اللّه محمّد بن محمّد بن النعمان العکبری البغدادی المعروف بالشـیخ المفید (ت ۴۱۳ ه) ، تحقیق : علی أکبر الغفّاری ، قمّ : مؤسّسه النشر الإسلامی ، الطبعه الرابعه ، ۱۴۱۴ ه .

۳ . إعلاـم الـوری بأعلاـم الهـدی ، أبو علی الفضـل بن الحسن الطبرسـی (ت ۵۴۸ ه) ، تحقیـق : علی أکـبر الغفّـاری ، بیروت : دارالمعرفه ، الطبعه الاُولی ، ۱۳۹۹ ه .

۴ . أعیان الشـیعه ، محسن بن عبد الکریم الأمین الحسینی العاملی الشقرائی (ت ۱۳۷۱ ه) ، إعداد: السیّد حسن الأمین ، بیروت : دارالتعارف ، الطبعه الخامسه، ۱۴۰۳ ه .

۵ . إقبـال الأعمـال، السیّد ابن طاووس، (ت ۶۶۴ ه)، تحقیـق: جواد القیّومی الإصـفهانی، قمّ : مکتب الإعلاـم الإسـلامی، الطبعه الاُولی.

۶ . أمالی المفید ، أبو عبد اللّه محمّد بن النعمان العکبری البغدادی المعروف بالشیخ

المفید (ت ۴۱۳ ه) ، تحقیق: حسین اُستاد ولی وعلی أکبر الغفّاری ، قمّ : مؤسّسه النشر الإسلامی ، الطبعه الثانیه ، ۱۴۰۴ ه .

۷ . الأمالی، أبو جعفر محمّد بن الحسن المعروف بالشیخ الطوسی (ت ۴۶۰ ه) ، تحقیق : مؤسّسه البعثه ، قمّ : دار الثقافه ، الطبعه الاُولی ، ۱۴۱۴ ه .

۸ . الأمالی ، محمّد بن علی بن بابویه القمّی (الشیخ الصدوق) (ت ۳۸۱ ه) ، تحقیق : مؤسّسه البعثه ، قمّ : مؤسّسه البعثه ، الطبعه الاُولی ، ۱۴۱۷ ه .

۹ . الإمامه والتبصره من الحیره، أبو الحسن علی بن الحسین بن بابویه القمّی (ت ۳۲۹ ه) ، تحقیق: محمّد رضا الحسینی ، قمّ : مؤسّسه آل البیت ، الطبعه الاُولی، ۱۴۰۷ ه .

۱۰ . الأنوار البهیّه فی تواریخ الحجج الإلهیّه، الشیخ عبّاس القمّی (ت ۱۳۵۹ ه)، تحقیق: مؤسّسه النشر الإسلامی، قمّ: مؤسّسه النشر الإسلامی التابعه لجامعه المدرّسین بقمّ المشرّفه، الطبعه الاُولی، ۱۴۱۷ ه .

۱۱ . بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمّه الأطهار ، محمّد بن محمّد تقی المجلسی (ت ۱۱۱۰ ه) ، طهران : دار الکتب الإسلامیه ، الطبعه الاُولی ، ۱۳۸۶ ه .

۱۲ . بشاره المصطفی لشیعه المرتضی ، أبو جعفر محمّد بن محمّد بن علی الطبری (ت ۵۲۵ ه) ، النجف الأشرف : المطبعه الحیدریّه ، الطبعه الثانیه ، ۱۳۸۳ ه .

۱۳ . بصائر الدرجات ، أبو جعفر محمّد بن الحسن الصفّار القمّی المعروف بابن فروخ (ت ۲۹۰ ه) ، قمّ : مکتبه آیه اللّه المرعشی ، الطبعه الاُولی ، ۱۴۰۴ ه .

۱۴ . تاریخ مدینه دمشق

، على بن الحسن بن عساكر الدمشقى (ت ۵۷۱ ه) ، تحقيق : على شيرى ، ۱۴۱۵ ، بيروت : دار الفكر للطباعه والنشر والتوزيع .

۱۵ . تفسير ابن كثير (تفسير القرآن العظيم) ، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير البصروى الدمشقى (ت ۷۷۴ ه) ، تحقيق : عبد العظيم غيم ، ومحمّد أحمد عاشور ، ومحمّد إبراهيم البنّا ، القاهره : دار الشعب .

۱۶ . تفسير الثعلبى ، أبو إسحاق أحمد بن محمّد بن إبراهيم الثعلبى، (ت ۴۲۷ ه)، تحقيق: أبو محمّد بن عاشور، بيروت : دار إحياء التراث العربى، الطبعه الأُولى، ۱۴۲۲ ه .

۱۷ . تفسير الطبرى (جامع البيان فى تفسير القرآن) ، أبو جعفر محمّد بن جرير الطبرىّ (۳۱۰ ه)، بيروت : دار الفكر .

۱۸ . تفسير العيّاشى، أبو النضر محمّد بن مسعود السلمى السمرقندى المعروف بالعيّاشى (ت ۳۲۰ ه)، تحقيق : السيّد هاشم الرسولى المحلّاتى ، طهران : المكتبه العلميّه ، الطبعه الأُولى ، ۱۳۸۰ ه .

۱۹ . تفسير فرات الكوفى ، أبو القاسم فرات بن إبراهيم بن فرات الكوفى (ق ۴ ه) ، تحقيق : محمّد كاظم المحمودى ، طهران : وزاره الثقافه والإرشاد الإسلامى ، الطبعه الأُولى ، ۱۴۱۰ ه .

۲۰ . تفسير نور الثقلين ، عبد علىّ بن جمعه العروسى الحويزى (ت ۱۱۱۲ ه) ، تحقيق : السيّد هاشم الرسولى المحلّاتى ، قمّ : مؤسّسه إسماعيليان ، الطبعه الرابعه، ۱۴۱۲ ه .

۲۱ . الثاقب فى المناقب ، أبو جعفر محمّد بن على بن حمزه الطوسى (ت ۵۶۰ ه) ، تحقيق : رضا علوان ، قمّ : مؤسّسه أنصاريان ،

الطبعه الثانيه ، ۱۴۱۲ ه .

۲۲ . جامع أحاديث الشيعه ، السيّد البروجردى (ت ۱۳۸۳ ه) ، قمّ : المطبعه العلميه .

۲۳ . الجامع الصغير فى أحاديث البشير النذير ، جلال الدين عبد الرحمن بن أبى بكر السيوطى (ت ۹۱۱ ه) ، بيروت : دار الفكر للطباعه والنشر والتوزيع ، الطبعه الاُولى ، ۱۴۰۱ ه .

۲۴ . جمال الاُسبوع بكمال العمل المشروع ، على بن موسى الحلّى (ابن طاووس) (ت ۶۶۴ ه) ، تحقيق : جواد القيّومى ، قمّ : مؤسّسه الآفاق ، الطبعه الاُولى، ۱۳۷۱ ش .

۲۵ . الخرائج والجرائح ، أبو الحسين سعيد بن عبد اللّه الراوندى المعروف بقطب الدين الراوندى (ت ۵۷۳ ه) ، تحقيق : مؤسّسه الإمام المهدى (عج) ، قمّ : مؤسّسه الإمام المهدى (عج) ، الطبعه الاُولى ، ۱۴۰۹ ه .

۲۶ . الدرّ المنثور فى التفسير المأثور ، جلال الدين عبد الرحمن بن أبى بكر السيوطى (ت ۹۱۱ ه) ، بيروت : دار الفكر ، الطبعه الاُولى ، ۱۴۱۴ ه .

۲۷ . روح المعانى فى تفسير القرآن (تفسير الآلوسى) ، محمود بن عبد اللّه الآلوسى (ت ۱۲۷۰ ه) ، بيروت : دار إحياء التراث العربى .

۲۸ . روضه الواعظين ، محمّد بن الحسن بن علىّ الفتّال النيسابورى (ت ۵۰۸ ه) ، تحقيق : حسين الأعلمى ، بيروت : مؤسّسه الأعلمى ، الطبعه الاُولى ، ۱۴۰۶ ه .

۲۹ . سبل الهدى والرشاد فى سيره خير العباد، الإمام محمّد بن يوسف الصالحى الشامى (ت ۹۴۲ ه) ، تحقيق : عادل أحمد عبد الموجود وعلى محمّد معوّض ، بيروت : دار

الکتب العلمیه ، الطبعه الأُولی ، ۱۴۱۴ ه .

۳۰ . سیر أعلام النبلاء ، أبو عبد اللّه محمّد بن أحمد الذهبی (ت ۷۴۸ ه) ، تحقیق : شُعیب الأرنؤوط ، بیروت : مؤسّسه الرساله ، الطبعه العاشره، ۱۴۱۴ ه .

۳۱ . الصافی فی تفسیر القرآن (تفسیر الصافی) ، محمّد محسن بن شاه مرتضی (الفیض الکاشانی) (ت ۱۰۹۱ ه) ، طهران : مکتبه الصدر ، الطبعه الأُولی، ۱۴۱۵ ه.

۳۲ . صحیح ابن حبّان ، علیّ بن بلبان الفارسی المعروف بابن بلبان (ت ۷۳۹ ه) ، تحقیق : شعیب الأرنؤوط ، بیروت : مؤسّسه الرساله ، الطبعه الثانیه ، ۱۴۱۴ ه .

۳۳ . صحیح مسلم ، أبو الحسین مسلم بن الحجّاج القشیری النیسابوری (ت ۲۶۱ ه) ، بیروت : دار الفکر ، طبعه مصحّحه ومقابله علی عدّه مخطوطات ونسخ معتمده .

۳۴ . غایه المرام وحجّه الخصام فی تعیین الإمام ، هاشم بن إسماعیل البحرانی (ت ۱۱۰۷ ه) ، تحقیق : السیّد علی عاشور ، بیروت : مؤسّسه التاریخ العربی ، ۱۴۲۲ ه .

۳۵ . الغدیر فی الکتاب والسنّه والأدب ، عبد الحسین أحمد الأمینی (ت ۱۳۹۰ ه) ، بیروت : دار الکتاب العربی ، الطبعه الثالثه ، ۱۳۸۷ ه .

۳۶ . الغیبه ، أبو جعفر محمّد بن الحسن بن علی بن الحسن الطوسی (ت ۴۶۰ ه) ، تحقیق : عباد اللّه الطهرانی ، وعلی أحمد ناصح ، قمّ : مؤسّسه المعارف الإسلامیه ، الطبعه الأُولی ، ۱۴۱۱ ه .

۳۷ . فتح القدیر الجامع بین فنّی الروایه والدرایه من علم التفسیر، محمّد بن علی بن محمّد الشوکانی (ت ۱۲۵۰ ه).

. فضائل أمير المؤمنين، أبو العبّاس أحمد بن محمّد بن عقده الكوفى (ت ٣٣٣ ه)، تحقيق عبد الرزّاق محمّد حسين فيض الدين.

٣٩ . فيض القدير، شرح الجامع الصغير، محمّد عبد الرؤوف المناوى، تحقيق: أحمد عبد السلام، بيروت : دار الكتب العلميه، الطبعه الأُولى، ١٤١٥ ه .

٤٠ . قاموس الرجال فى تحقيق رواه الشيعه ومحدّثيهم ، محمّد تقى بن كاظم التسترى (ت ١٣٢٠ ه) ، قمّ : مؤسّسه النشر الإسلامى ، الطبعه الثانيه، ١٤١٠ ه .

٤١ . قصص الأنبياء ، أبو الحسين سعيد بن عبد اللّه الراوندى المعروف بقطب الدين الراوندى (ت ٥٧٣ ه)، تحقيق: غلام رضا عرفانيان، مشهد : الحضره الرضويّه المقدّسه ، الطبعه الأُولى ، ١٤٠٩ ه .

٤٢ . الكافى ، أبو جعفر ثقه الإسلام محمّد بن يعقوب بن إسحاق الكلينى الرازى (ت ٣٢٩ ه) ، تحقيق : على أكبر الغفارى ، طهران : دار الكتب الإسلاميه ، الطبعه الثانيه ، ١٣٨٩ ه .

٤٣ . كتاب الغيبه ، الشيخ ابن أبى زينب محمّد بن إبراهيم النعمانى (ت ٣٤٢ ه) ، تحقيق : على أكبر الغفارى ، طهران : مكتبه الصدوق ، ١٣٩٩ ه .

٤٤ . كتاب الغيبه ، الشيخ ابن أبى زينب محمّد بن إبراهيم النعمانى (ت ٣٤٢ ه) ، تحقيق : على أكبر الغفارى ، طهران : مكتبه الصدوق ، ١٣٩٩ ه .

٤٥ . كشف الخفاء والإلباس عمّا اشتهر من الأحاديث على ألسنه الناس ، إسماعيل بن محمّد العجلونى الجرّاحى (ت ١١٦٢ ه) ، بيروت : دار الكتب العلميه، ١٤٠٨ ه .

٤٦ . كشف الغمّه فى معرفه الأئمّه ، علىّ بن عيسى الإربلىّ (ت ٦٨٧

ه) ، تصحيح : السيّد هاشم الرسوليّ المحلاّتيّ ، بيروت : دارالكتاب الإسلاميّ ، الطبعه الاُولى ، ١۴٠١ ه .

۴٧ . كفايه الأثر فى النصّ على الأئمّه الاثنى عشر ، أبو القاسم على بن محمّد بن على الخزّاز القمّى (ق ۴ ه) ، تحقيق: السيّد عبد اللطيف الحسينى الكوه كمرى ، طهران: نشر بيدار، الطبعه الاُولى، ١۴٠١ ه .

۴٨ . كمال الدين وتمام النعمه ، أبو جعفر محمّد بن على بن الحسين بن بابَوَيه القمّى المعروف بالشيخ الصدوق (ت ٣٨١ ه) ، تحقيق : على أكبر الغفّارى ، قمّ : مؤسسه النشر الإسلامى التابعه لجماعه المدرّسين ، الطبعه الاُولى ، ١۴٠۵ ه .

۴٩ . كمال الدين وتمام النعمه ، أبو جعفر محمّد بن على بن الحسين بن بابَوَيه القمّى المعروف بالشيخ الصدوق (ت ٣٨١ ه) ، تحقيق : على أكبر الغفّارى ، قمّ : مؤسسه النشر الإسلامى التابعه لجماعه المدرّسين ، الطبعه الاُولى ، ١۴٠۵ ه .

۵٠ . كنز العمّال فى سنن الأقوال والأفعال ، علاء الدين على المتّقى بن حسام الدين الهندى (ت ٩٧۵ ه) ، ضبط وتفسير : الشيخ بكرى حيّانى ، تصحيح وفهرسه : الشيخ صفوه السقا ، بيروت : مؤسسه الرساله ، الطبعه الاُولى ، ١٣٩٧ ه .

۵١ . اللزام الناصب فى إثبات الحجّه الغائب، الشيخ على اليزدى الحائرى (ت ١٣٣٣ ه)، تحقيق: السيّد على عاشور.

۵٢ . مجمع الزوائد ومنبع الفوائد ، نور الدين على بن أبى بكر الهيثمى (ت ٨٠٧ ه) ، بيروت : دار الكتب العلميه ، الطبعه الاُولى ، ١۴٠٨ ه .

۵٣ . المحاسن ، أبو

جعفر أحمـد بن محمّد بن خالد البرقى (ت ٢٨٠ ه) ، تحقيق : السيّد مهـدى الرجائى، قمّ : المجمع العالمى لأهل البيت ، الطبعه الاُولى ، ١٤١٣ ه .

٥٤ . المحتضر، عزّ الـدين أبـو محمّـد الحسـن بـن سـليمان بـن محمّـد الحلّى (ق ٨ ه)، تحقيـق: سـيّد على أشـرف، قـمّ: المكتبه الحيدريه، ١٤٢٤ ه .

٥٥ . مدينه معاجز الأئمّه الاثنى عشـر ودلائل الحجج على البشـر، هاشم بن سليمان الحسينى البحرانى (ت١١٠٧ه)، تحقيق : لجنه التحقيق فى مؤسّسه المعارف الإسلاميّه ، قمّ : لجنه التحقيق فى مؤسّسه المعارف الإسلاميّه، الطبعه الاُولى ، ١٤١٣ ه .

٥٦ . المزار الكبير ، أبو عبد اللّه محمّد بن جعفر المشهدى (ق ٦ ه) ، تحقيق : جواد القيّومى الإصفهانى ، قمّ : نشر قيّوم ، الطبعه الاُولى ، ١٤١٩ ه .

٥٧ . مسـتدرك الوسائل ومسـتنبط المسائل ، الميرزا حسين النورى (ت ١٣٢٠ ه) ، تحقيق : مؤسّـسه آل الـبيت ، قمّ : مؤسّسه آل البيت ، الطبعه الاُولى ، ١٤٠٨ ه .

٥٨ . مسـند أحمد ، أحمد بن محمّد بن حنبل الشـيبانى (ت ٢٤١ ه) ، تحقيق : عبـد اللّه محمّـد الـدرويش ، بيروت : دار الفكر ، الطبعه الثانيه ، ١٤١٤ ه .

٥٩ . مسـند الشـهاب ، أبو عبـد اللّه محمّـد بن سـلامه القضاعى (ت ٤٥٤ ه) ، تحقيق : حمـدى عبـد المجيـد السـلفى ، بيروت : مؤسّسه الرساله ، الطبعه الاُولى ، ١٤٠٥ ه .

٦٠ . مصـباح المتهجّـد ، أبو جعفر محمّـد بن الحسن بن علىّ بن الحسن الطوسـى (ت ٤٦٠ ه) ، تحقيق : علىّ أصـغر مرواريـد ، بيروت : مؤسّسه

فقه الشيعه ، الطبعه الأُولى ، ۱۴۱۱ ه .

۶۱ . المصباح فى الأدعيه والصلوات والزيارات ، تقى الدين إبراهيم بن على بن الحسن العاملى الكفعمى (ت ۹۰۰ ه)، تصحيح: الشيخ حسين الأعلمى ، بيروت : مؤسّسه الأعلمى للمطبوعات ، الطبعه الأُولى، ۱۴۱۴ ه .

۶۲ . معجم أحاديث الإمام المهدى (عج) ، تحقيق : الهيئه العلميّه فى مؤسّسه المعارف الإسلاميّه ، قمّ: الهيئه العلميّه فى مؤسّسه المعارف الإسلاميّه ، الطبعه الأُولى، ۱۴۱۱ ه .

۶۳ . المعجم الأوسط ، أبو القاسم سليمان بن أحمد اللخمى الطبرانى (ت ۳۶۰ ه) ، تحقيق : قسم التحقيق بدار الحرمين ، ۱۴۱۵ ه ، القاهره : دار الحرمين للطباعه والنشر والتوزيع .

۶۴ . معجم رجال الحديث ، أبو القاسم بن على أكبر الخوئى (ت ۱۴۱۳ ه) ، قمّ : منشورات مدينه العلم ، الطبعه الثالثه ، ۱۴۰۳ ه .

۶۵ . مكيال المكارم فى فوائد الدعاء للقائم، ميرزا محمّد الموسوى الإصفهانى، تحقيق: السيّد على عاشور، بيروت: مؤسّسه الأعلمى للمطبوعات، الطبعه الأُولى، ۱۴۲۱ ه .

۶۶ . مناقب آل أبى طالب (مناقب ابن شهر آشوب) ، أبو جعفر رشيد الدين محمّد بن على بن شهر آشوب المازندرانى (ت ۵۸۸ ه) ، قمّ : المطبعه العلميه .

۶۷ . وسائل الشيعه إلى تحصيل مسائل الشريعه ، محمّد بن الحسن الحرّ العاملى (ت ۱۱۰۴ ه) ، تحقيق : مؤسّسه آل البيت ، قمّ : مؤسسه آل البيت لإحياء التراث ، الطبعه الثانيه ، ۱۴۱۴ ه .

۶۸ . وسائل الشيعه ، محمّد بن الحسن الحرّ العاملى (ت ۱۱۰۴ ه) ، تحقيق : مؤسّسه آل البيت ، قمّ

: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث ، الطبعه الثانيه ، ۱۴۱۴ ه .

۶۹ . ينابيع المودّه لـذوى القربى ، سـليمان بن إبراهيم القنـدوزى الحنفى (ت ۱۲۹۴ ه) ، تحقيق : على جمال أشـرف الحسـينى ، طهران : دار الاُسوه ، الطبعه الاُولى ، ۱۴۱۶ ه .

نویسنده، کتب، ناشر

ارتباط با نویسنده

اشاره

دوستان خوبم! دوست دارم نظر شما را درباره این کتاب بدانم، نظر شما، سرمایه من است.

پیامک خود را به سامانه پیام کوتاه من به شماره ۳۰۰۰۴۵۶۹ بفرستید.

شما را دوست دارم و فقط به عشق شما می نویسم.

سامانه پیام کوتاه ۳۰۰۰۴۵۶۹

سایت www.hasbi.ir

ایمیل khodamian@yahoo.com

درباره نویسنده

دکتر مهـدی خُدّامیان آرانی به سال ۱۳۵۳ در شهرسـتان آران و بیدگل اصـفهان دیده به جهان گشود. وی در سال ۱۳۶۸ وارد حوزه علمیّه کاشان شد و در سال ۱۳۷۲ در دانشگاه علامه طباطبائی تهران در رشته ادبیات عرب مشغول به تحصیل گردید.

ایشـان در سال ۱۳۷۶ به شـهر قمّ هجرت نمود و دروس حوزه را تـا مقطع خـارج فقه و اصول ادامه داد و مـدرک سـطح چهـار حوزه علمیّه قم (دکترای فقه و اصول) را أخذ نمود.

موفقیّت وی در کسب مقـام اوّل مسـابقه جهـانی کتاب رضوی بیروت در تاریـخ ۸۸/۸/۸ مایه خوشـحالی هموطنانش گردید و اوّلین بار بود که یک ایرانی توانست در این مسابقات، مقام اوّل را کسب نماید.

بازسازی مجموعه هشت کتاب از کتب رجالیّ شـیعه از دیگر فعالیّت های پژوهشـی این استاد است که فهارس الشیعه نام دارد، این کتاب ارزشـمند در اوّلین دوره جایزه شهاب، چهاردهمین دوره کتاب فصل و یازدهمین همایش حامیان نسخ خطّی به رتبه برتر دست یافته است و در سال ۱۳۹۰ به عنوان اثر برگزیده سیزدهمین همایش کتاب سال حوزه انتخاب شد.

دکتر خدّامیان هرگز جوانان این مرز و بوم را فراموش نکرد و در کنار فعالیّت های علمی، برای آنها نیز قلم زد. او تاکنون بیش

از ۵۰ کتاب فارسی نوشته است که بیشتر آنها جوایز مهمّی در جشنواره های مختلف کسب نموده است. قلم روان، بیان جذاب و همراه بودن با مستندات تاریخی – حدیثی

از مهمترین ویژگی این آثار می باشد.

آثار فارسـی ایشان با عنوان «مجموعه انـدیشه سبز» به بیان زیبایی های مکتب شـیعه می پردازد و تلاش می کنـد تا جوانان را با آموزه های دینی بیشتر آشنا نماید. این مجموعه با همّت انشارات وثوق به زیور طبع آراسته شده است.

کتب نویسنده

کتب فارسی

اشاره

ناشر همه کتاب های فارسی، نشر وثوق می باشد.

این فهرست کتاب های چاپ شده تا سال ۱۳۹۲ می باشد.

رمان مذهبی

۱ – مهاجر بهشت: حوادث روزهای پایانی زندگی پیامبر

۲ – قصه معراج : حوادث و شگفتی های معراج پیامبر

۳ – بانوی چشمه: زندگی حضرت خدیجه(س)

۴ – فریاد مهتاب: زندگی حضرت زهرا(س)

۵ – روشنی مهتاب: پاسخ به شبهات وهابیت – دفاع از حقیقت و ولایت

۶ – سرزمین یاس: ماجرای بخشش فدک به فاطمه(س)

۷ – روی دست آسمان: عید غدیر

۸ – سکوت آفتاب: شهادت حضرت امیر المؤنین

۹ – آرزوی سوم: ماجرای جنگ خندق

۱۰ – فانوس اول: ماجرای شهادت مالک بن نویره

۱۱ – الماس هستی: دهه امامت، غدیر خم.

۱۲ – در قصر تنهایی: ماجرای صلح امام حسن(ع)

۱۳–۱۹: هفت شـهر عشق: نگاهی نو به حماسه عاشورا (این کتاب در چاپ اول در هفت کتاب چاپ شد، در چاپ دوم به بعد در یک جلد چاپ شد).

۲۰ – در اوج غربت: ماجرای شهادت مسلم بن عقیل

کتاب «سلام بر خورشید» در موضوع امام حسین(ع) می باشد (شرح زیارت عاشورا).

۲۱ – صبح ساحل: حوادث زندگی امام صادق(ع)

۲۲ – لذت دیدار ماه: ثواب زیارت امام رضا(ع)

۲۳ – داستان ظهور: زیبایی های ظهور امام زمان(ع)

۲۴ – حقیقت دوازدهم: اثبات ولادت امام زمان(ع)

۲۵ – آخرین عروس: داستان میلاد امام زمان(ع)

کتاب «راهی به دریا» شرح زیارت آل یاسین می باشد و کتاب «گمگشته دل» در فضیلت انتظار ظهور نوشته شده است. این دو کتاب نیز در موضوع امام زمان(ع) می باشد.

آموزه های دینی

۲۶ – خدای خوبی ها: خداشناسی، توحید ناب

۲۷ – با من تماس بگیرید: راه و روش دعا کردن

۲۸ – با من مهربان باش: مناجات با خدا

۲۹ – خدای قلب من: مناجات با خدا

۳۰ – تا خدا راهی نیست: سخنان خدا با پیامبران

۳۱ – در آغوش خدا: زیبایی های مرگ مومن

۳۲ – یک سبد

آسمان: نگاهی به چهل آیه قرآن

۳۳ – راهی به دریا: شرح زیارت آل یاسین معرفت امام زمان(ع)

۳۴ – سلام بر خورشید: شرح زیارت عاشورا

۳۵ – نردبان آبی: شرح زیارت جامعه، امام شناسی

۳۶ – گمگشته دل: فضیلت انتظار ظهور

۳۷ – آسمانی ترین عشق: فضلیت محبت به اهل بیت(ع)

۳۸ – همسر دوست داشتنی: زندگی زناشویی بهتر

۳۹ – بهشت فراموش شده: احترام به پدر و مادر

۴۰ – سمت سپیده: ارزش علم دانش

۴۱ – چرا باید فکر کنیم: ارزش فکر و اندیشه

۴۲ – لطفا لبخند بزنید: ارزش لبخند و شادمانی

۴۳ – راز خشنودی خدا: آثار کمک کردن به مردم

۴۴ – به باغ خدا برویم: فضیلت حضور در مسجد

۴۵ – راز شکرگزاری: شکر نعمت های خدا

۴۶ – فقط به خاطر تو: آثار اخلاص در عمل

۴۷ – معجزه دست دادن : آثار دست دادن، ارتباط اجتماعی

کتب عربی

۴۹ – تحقیق « فهرست سعد » .

۵۰ –تحقیق « فهرست الحمیری » .

۵۱ – تحقیق « فهرست حمید ».

۵۲ – تحقیق « فهرست ابن بطّه ».

۵۳ – تحقیق « فهرست ابن الولید » .

۵۴ – تحقیق « فهرست ابن قولویه » .

۵۵ – تحقیق « فهرست الصدوق » .

۵۶ – تحقیق « فهرست ابن عبدون » .

۵۷ – تحقیق « آداب أمیر المؤمنین» .

۵۸ – الصحیح فی فضل الزیاره الرضویه .

۵۹ – الصحیح فی البکاء الحسینی .

۶۰ – الصحیح فی فضل الزیاره الحسینیه .

۶۱ – الصحیح فی کشف بیت فاطمه(س).

۶۲ – صرخه النور.

۶۳ – إلی الرفیق الأعلی.

نشر وثوق

(ناشر همه کتاب های فارسی، نشر وثوق می باشد).

انتشارات وثوق از سال ۱۳۷۶ فعالیت خود را درحوزه نشر کتاب آغاز کرد و امروز بسیار خرسند است که قدمی هر چند کوچک در جهت ترویج تعالیم اسلام و پاسخ گویی به نیازهای فکری وفرهنگی نسل جوان کشورعزیزمان ایران برداشته واین توفیق الهی قرین راهش بوده که محققان واندیشوران علم و ادب را همچنان از این دریای معرفت وبصیرت جرعه نوش کند.

چاپ و نشر بیش از ۳۵۰ عنوان اثر در موضوعات مذهبی ، اخلاقی ، اجتماعی ، فلسفه وکلام به صورت عمومی و تخصصی حاصل کوشش های این انتشارات است.

از جمله کارهای بسیار مهم و ارزشمند انتشارات وثوق قرارداد مجموعه کتابهایی تحت عنوان اندیشه سبز می باشد که این قرارداد از ابتدای سال ۱۳۸۶ شروع شده است و تاکتون توانستم ۴۸ عنوان کتاب تحت عوان اندیشه سبز روانه بازار نماییم.

از ویژگی های مهم این مجموعه می توان به سادگی و روانی مطالب مذهبی با رویکرد داستان و رمان اشاره

کرد که با توجه به مستند بودن مطالب و استفاده از منابع دست اول کتب شیعه و سنی با قلمی بسیار شیوا جوانان عزیز را جذب کرده و کلام ناب معصومین علیهم السلام را ترویج نماییم.

۱ . عن علی بن الحسین علیهماالسلام: یا أبا خالد، إنّ أهل زمان غیبته القائلون بإمامته، المنتظرون لظهوره، أفضل أهل کلّ زمانٍ؛ لأنّ اللّه تعالی ذکره أعطاهم من العقول والأفهام والمعرفه ما صارت به الغیبه عنـدهم بمنزله المشاهـده، وجعلهم فی ذلک الزمان بمنزله المجاهدین بین یدی رسول اللّه صـلی الله علیه و آله بالسـیف، أُولئک المخلصون حقّاً وشیعتنا صدقاً والدعاه إلی دین اللّه سرّاً وجهراً. وقال علیه السـلام: انتظار الفرج من أعظم الفرج: کمال الـدین ص ۳۲۰، الاحتجاج ج ۲ ص ۵۰، بحار الأنوار ج ۳۶ ص ۳۸۷ و ج ۵۲ ص ۱۲۲، أعلام الوری ج ۲ ص ۱۹۶، قصص الأنبیاء ص ۳۶۴، مکیال المکارم ج ۲ ص ۱۲۹. ۲ . عن جابر قال: دخلنا علی أبی جعفرٍ محمّـد بن علی علیهماالسـلام ونحن جماعه بعـدما قضـینا نُسُـکَنا، فودّعناه وقلنا له: أوصـنا یا بن رسول اللّه، فقـال: لیُعِن قـویُکم ضـعیفَکم، ولیعطـف غنیُّکم علی فقیرِکم، ولینصـح الرجـلُ أخـاه کنصـحه لنفسه، واکتمـوا أسـرارنا، ولا تحملوا الناس علی أعناقنا. وانظروا أمرنا وما جاءکم عنّا، فإن وجـدتموه فی القرآن موافقاً فخذوا به، وإن لم تجدوه موافقاً فردّوه، وإن اشـتبه الأمر علیکم فقفوا عنده، وردّوه إلینا حتّی نشـرح لکم من ذلک ما شُـرح لنا، فإذا کنتم کما أوصـیناکم ولم تعدوا إلی غیره فمـات منکم میّتٌ قبل أن یخرج قائمنا کان شـهیداً، ومن أدرک قائمنا فقُتل معه، کان له أجر شـهیدین، ومن قَتلَ بین یـدیه عدوّاً لنا کان له أجر عشرین

شهیداً: أمالی الطوسی ص۲۳۲، بحار الأنوار ج ۲ ص ۲۳۶ و ج ۵۲ ص ۱۲۳: ج ۷۵ ص ۱۸۲، الأنوار البهیه ص ۳۶۹، بشاره المصطفی ص ۱۸۳. ۳. عن أبی بصیر، عن أبی جعفر علیه السلام، قال: قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله ذات یوم وعنده جماعه من أصحابه: اللّهمّ لقّنی إخوانی. مرّتین، فقال مَن حوله من أصحابه: أما نحن إخوانک یا رسول اللّه؟ فقال: لا، إنّکم أصحابی، وإخوانی قومٌ فی آخر الزمان آمنوا ولم یرونی، لقد عَرَّفَنیهُم اللّه بأسمائهم وأسماء آبائهم مِن قبل أن یخرجهم من أصلاب آبائهم وأرحام أُمّهاتهم، لأحدهم أشدّ بقیّهً علی دینه من خرط القتاد فی اللیله الظلماء، أو کالقابض علی جمر الغضا، أُولئک مصابیح الدجی، ینجیهم اللّه من کلّ فتنه غبراء مظلمه: بصائر الدرجات ص ۱۰۴، بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۱۲۴، مکیال المکارم ج ۱ ص ۳۴۶؛ عن عوف بن مالک، قال: قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله ذات یوم: یا لیتنی قد لقیت إخوانی، فقال له: أبو بکر وعمر: أوَ لسنا إخوانک؟ آمنّا بک وهاجرنا معک؟! قال: قد آمنتم وهاجرتم، ویا لیتنی قد لقیت إخوانی. فأعادا القول، فقال رسول اللّه صلی الله علیه و آله: أنتم أصحابی، ولکن إخوانی الذین یأتون من بعدکم، یؤمنون بی ویحبّونی وینصرونی ویصدّقونی، وما رأونی، فیا لیتنی قد لقیت إخوانی: أمالی المفید ص ۶۳، روضه الواعظین ص ۳۰۴، بحار الأنوار ج ۲۲ ص ۴۵۱ و ج ۵۲ ص ۱۳۲، وراجع کنز العمّال ج ۱۲ ص ۱۸۳، الدرّ المنثور ج ۱ ص ۲۶، فتح القدیر ج ۱ ص ۳۵، تاریخ مدینه دمشق ج ۳۰ ص ۱۳۸؛ إنّ أشدّ أُمّتی حبّاً له قوم یأتون من بعدی یؤمنون بی: مسند أحمد ج ۲ ص

۴۱۷، صحیح مسلم ج ۸ ص ۱۴۵، صحیح ابن حبّان ج ۱۶ ص ۲۱۴، الجامع الصغیر ج ۲ ص ۵۴۲، کنز العمّال ج ۱۲ ص ۱۶۳، فیض القدیر ج ۶ ص ۱۱، سیر أعلام النبلاء ج ۱۲ ص ۵۲۶، سبل الهدی والرشاد ج ۱۱ ص ۴۳۰، أتدرون أیّ أهل الإیمان أفضل إیماناً... أقوامٌ یأتون من بعدی فیؤمنون بی ولم یرونی: کنز العمّال ح ۱۲ ص ۱۸۲. ۴ . عن الصادق علیه السلام، عن آبائه علیهم السلام، قال: قال النبی صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام: یا علیّ، واعلم أنّ أعظم الناس یقیناً قومٌ یکونون فی آخر الزمان، لم یلحقوا النبیّ، وحجب عنهم الحجّه، فآمنوا بسوادٍ فی بیاض: بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۱۲۵. ۵ . عن محمّد بن عبد الحمید، عن محمّد بن الفضیل، عن الرضا علیه السلام، قال: سألته عن شیء من الفرج، فقال: ألیس انتظار الفرج من الفرج؟ إنّ اللّه عزّ وجلّ یقول: «فَانتَظِرُوا إِنِّی مَعَکُم مِّنَ الْمُنتَظِرِینَ»: کمال الدین ص ۶۴۵، بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۱۲۸. ۶ . عن أبی بصیر قال: قلتُ لأبی عبد اللّه علیه السلام: جُعلتُ فداک متی الفرج؟ فقال: یا أبا بصیر، أنت ممّن یرید الدنیا؟ مَن عرف هذا الأمر فقد فرّج عنه بانتظاره: الکافی ج ۱ ص ۳۷۱، کتاب الغیبه للنعمانی ص ۳۶۱، بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۱۴۲؛ سأل أبو بصیر أبا عبد اللّه علیه السلام وأنا أسمعُ، فقال: أترانی أدرک القائم علیه السلام؟ فقال: یا أبا بصیر، لست تعرف إمامک؟ فقال: بلی واللّه، وأنت هو، فتناول یده وقال: واللّه ما تبالی یا أبا بصیر أن لا تکون محتبیاً بسیفک فی ظلّ رواق القائم علیه السلام: کتاب الغیبه للنعمانی ص ۳۵۱، بحار الأنوار ج ۵۲

ص ۱۴۲. ۷ . عن أَميّه بن علی، عن رجلٍ قال: قلتُ لأبی عبد اللّه علیه السلام: أیّما أفضل، نحن أو أصحاب القائم علیه السلام؟ قال: فقال لی: أنتم أفضل من أصحاب القائم، وذلک أنّکم تمسون وتصبحون خائفین علی إمامکم وعلی أنفسکم من أئمّه الجور، إن صلّیتم فصلاتکم فی تقیّه، وإن صمتم فصیامکم فی تقیّه، وإن حججتم فحجّکم فی تقیّه، وإن شهدتم لم تُقبل شهادتکم. وعدّد أشیاءَ من نحو هذا مثل هذه، فقلتُ: فما نتمنّی القائم علیه السلام إذا کان علی هذا؟ قال: فقال لی: سبحان اللّه! أما تحبّ أن یظهر العدل ویأمن السبل وینصف المظلوم: الاختصاص ص ۲۱، بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۱۴۴. ۸ . عن جابر، عن أبی جعفر علیه السلام أنّه قال: یأتی علی الناس زمان یغیب عنهم إمامهم، فیا طوبی للثابتین علی أمرنا فی ذلک الزمان، إنّ أدنی ما یکون لهم من الثواب أن ینادیهم الباری عزّ وجلّ: عبادی آمنتم بسرّی، وصدّقتم بغیبی، فأبشروا بحسن الثواب منّی، فأنتم عبادی وإمائی حقّاً، منکم أتقبّل وعنکم أعفو، ولکم أغفر، وبکم أسقی عبادی الغیث، وأدفع عنهم البلاء، ولولاکم لأنزلتُ علیهم عذابی. قال جابر: فقلتُ: یا بن رسول اللّه، فما أفضل ما یستعمله المؤن فی ذلک الزمان؟ قال: حفظ اللسان ولزوم البیت: کمال الدین ص ۳۳۰، الجواهر السنیه ص ۲۴۹، بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۱۴۵. ۹ . المفضّل بن عمر، عن أبی عبد اللّه علیه السلام، قال: أقرب ما یکون العباد إلی اللّه عزّ وجلّ وأرضی ما یکون عنهم، إذا افتقدوا حجّه اللّه فلم یظهر لهم، ولم یعلموا بمکانه، وهم فی ذلک یعلمون أنّه لم تبطل حجّه اللّه، فعندها فتوقّعوا الفرج کلّ صباح ومساء، فإنّ أشدّ ما یکون

غضب اللّه على أعـدائه إذا افتقـدوا حجّته، فلم يظهر لهم. وقـد علم أنّ أوليـاءه لاـ يرتابون، ولو علم أنّهم يرتابون لما غيّب حجّته طرفه عين، ولا يكون ذلك إلاّ على رأس شـرار الناس: الإمامه والتبصره ص ۱۲۳، الكافى ج ۱ ص ۳۳۳، كمال الدين ص ۳۳۸، كتاب الغيبه للنعمانى ص ۱۶۵، بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۱۴۵، أعلام الورى ج ۲ ص ۲۳۶. ۱۰ . عن زراره قال: سمعتُ أبا عبد اللّه عليه السلام يقول: إنّ للقائم غيبه قبل أن يقوم، قلت : ولم؟ قال: يخاف. وأومأ بيده إلى بطنه. ثمّ قال: يا زراره، وهو المنتظر، وهو الـذى يشـكّ النـاس فى ولاـدته، منهم من يقول: مـات أبوه ولـم يخلف، ومنهم من يقول: هو حمـل، ومنهم من يقول: هو غائب، ومنهم من يقول: ما ولد ومنهم، من يقول: قد ولد قبل وفاه أبيه بسـنتين، وهو المنتظر، غير أنّ اللّه تبارك وتعالى يجب أن يمتحن الشـيعه، فعند ذلك يرتاب المبطلون. قال زراره: فقلتُ: جُعلتُ فداك، فإن أدركتُ ذلك الزمان فأىّ شىء أعملُ؟ قال: يا زراره، إن أدركتَ ذلـك الزمـان فـالزم هـذا الـدعاء: اللّهمّ عرّفنى نفسـك، فإنّـك إن لم تعرّفنى نفسـك لم أعرف نبيّك، اللّهمّ عرّفنى رسولك، فإنّك إن لم تعرّفنى رسولك لم أعرف حجّتك، اللّهمّ عرّفنى حجّتك فإنّك إن لم تعرّفنى حجّتك ضللت عن دينى: الكافى ج ۱ ص ۳۳۷، كمال الدين ص ۳۴۲، كتاب الغيبه للنعمانى ص ۱۷۰، الغيبه ص ۳۳۴، بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۱۴۶ و ج ۹۲ ص ۳۲۶. ۱۱ . عن عبد اللّه بن سنان قال: قال أبو عبد اللّه عليه السلام: ستصيبكم شبهه فتبقون بلا علم يُرى ولا إمام هدى، لا ينجو منها

إلاّ ـ من دعا بدعاء الغريق، قلت: وكيف دعاء الغريق؟ قال: تقول: «يا اللّه يا رحمان يا رحيم، يا مقلّب القلوب ثبّت قلبى على دينك»، فقلتُ: «يا مقلّب القلوب والأبصار ثبّت قلبى على دينك»، فقال: إنّ اللّه عزّ وجلّ مقلّب القلوب والأبصار، ولكن قل كما أقول: «يا مقلّب القلوب ثبّت قلبى على دينك»:كمال الدين ص ٣٥٢، بحار الأنوار ج ٥٢ ص ١٤٩ و ج ٩٢ ص ٣٢٦، أعلام الورى ج ٢ ص ٢٣٨. ١٢ . عن عبد الرحمن بن كثير قال: كنتُ عند أبى عبد اللّه عليه السلام إذ دخل عليه مِهزَم الأسدى فقال: أخبرنى جُعلتُ فداك، متى هذا الأمر الذى تنتظرونه؟ فقد طال، فقال: يا مِهزَم، كذب الوقّاتون، وهلك المستعجلون، ونجا المسلمون، وإلينا يصيرون: الكافى ج ١ ص ٣٦٨، الإمامه والتبصره ص ٩٥، كتاب الغيبه للنعمانى ص ٣٠٤، الغيبه ص ٤٢٦، بحار الأنوار ج ٥٢ ص ١٠٣، معجم رجال الحديث ج ٢٠ ص ٩٧، قاموس الرجال ج ١٠ ص ٣٠٨؛ عن محمّد بن مسلم، عن أبى عبد اللّه عليه السلام قال: من وقّت لك من الناس شيئاً فلا تهابنّ أن تكذّبه، فلسنا نوقّت لأحدٍ وقتاً: الغيبه للنعمانى ص ٤٢٦، بحار الأنوار ج ٥٢ ص ١٠٤؛ عن الفضيل قال: سألتُ أبا جعفر عليه السلام: هل لهذا الأمر وقت؟ فقال: كذب الوقّاتون، كذب الوقّاتون، كذب الوقّاتون: الكافى ج ١ ص ٣٦٨، كتاب الغيبه للنعمانى ص ٣٠٥، الغيبه للطوسى ص ٤٢٦، بحار الأنوار ج ٤ ص ١٣٢، تفسير نور الثقلين ج ١ ص ٨٠، عن منذر الجواز عن أبى عبد اللّه عليه السلام قال: كذب الموقتون، ما وقتنا فيما مضى، ولا نوقت فيما يستقبل: الغيبه للطوسى ص ٤٢٦، بحار الأنوار ج ٥٢

ص ۱۰۳. ۱۳ . عن أبی بصیر، عن أبی عبد اللّه علیه السلام، قال: سألته عن القائم، فقال: کذب الوقّاتون، إنّا أهل بیتٍ لا نوقّت. ثمّ قال: أبی اللّه إلاّ أن یخالف وقت الموقّتین: الکافی ج ۱ ص ۳۶۸، بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۱۱۸. ۱۴ . عن مالک بن ضَمرَه قال: قال أمیر المؤمنین علیه السلام: یا مالک ابن ضَمرَه! کیف أنت إذا اختلفت الشیعه هکذا. وشبک أصابعه وأدخل بعضها فی بعض، فقلتُ: یا أمیر المؤمنین، ما عند ذلک من خیر؟ قال: الخیر کلّه عند ذلک یا مالک، عند ذلک یقوم قائمنا فیقدم سبعین رجلاً یکذّبون علی اللّه وعلی رسوله فیقتلهم، ثمّ یجمعهم اللّه علی أمرٍ واحد: کتاب الغیبه للنعمانی ص ۲۱۴، بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۱۱۵، فضائل أمیر المؤمنین لابن عقده ص ۱۲۷؛ عن عَمِیره بنت نُفَیل قالت: سمعتُ الحسن بن علی علیه السلام یقول: لا یکون الأمر الذی ینتظرون حتّی یبرأ بعضکم من بعض، ویتفل بعضکم فی وجوه بعض، وحتّی یلعن بعضکم بعضاً، وحتّی یسمّی بعضکم بعضاً کذّابین: کتاب الغیبه للنعمانی ص ۳۳، بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۱۱۵، إلزام الناصب فی إثبات الحجّه الغائب ج ۱ ص ۲۳۸. ۱۵ . عن إبراهیم بن مِهزَم، عن أبی عبد اللّه علیه السلام، قال: ذکرنا عنده ملوک بنی فلان، فقال: إنّما هلک الناس من استعجالهم لهذا الأمر، إنّ اللّه لا یعجل لعجله العباد، إنّ لهذا الأمر غایه ینتهی إلیها، فلو قد بلغوها لم یستقدموا ساعهً ولم یستأخروا: الکافی ج ۱ ص ۳۶۹، کتاب الغیبه للنعمانی ص ۳۰۶، بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۱۱۸. ۱۶ . قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله: لمّا عُرج بی إلی السماء السابعه ومنها إلی

سدره المنتهى، ومن السدره إلى حجب النور، ناداني ربّي جلّ جلاله: يا محمّد، أنت عبدي وأنا ربّك، فلي فاخضع، وإيّاي فاعبد، وعليَّ فتوكّل، وبي فثق، فإنّي قد رضيت بك عبداً وحبيباً ورسولاً ونبيّاً، وبأخيك علي خليفةً وباباً، فهو حجّتي على عبادي، وإمامٌ لخلقي، به يُعرَف أوليائي من أعدائي، وبه يُميّز حزب الشيطان من حزبي، وبه يُقام ديني وتُحفظ حدودي وتُنفذ أحكامي، وبك وبه وبالأئمّه من ولدك أرحم عبادي وإمائي، وبالقائم منكم أعمُرُ أرضي، بتسبيحي وتقديسي وتهليلي وتكبيري وتمجيدي، وبه أُطهّر الأرض من أعدائي وأورثها أوليائي، وبه أجعل كلمه الذين كفروا بي السفلى وكلمتي العليا، به أُحيي بلادي وعبادي بعلمي، وله أُظهر الكنوز والذخائر بمشيتي، وإيّاه أُظهر على الأسرار والضمائر بإرادتي، وأمدّه بملائكتي لتؤيّده على إنفاذ أمري وإعلان ديني، ذلك وليّي حقّاً ومهدي عبادي صدقاً: أمالي الصدوق ص ۷۳۱، الجواهر السنيه ص ۲۳۵، بحار الأنوار ج ۱۸ ص ۳۴۲. ۱۷ . ... من عاداك فقد عاداني، ومن أحبّه فقد أحبّك، ومن أحبّك فقد أحبّني، وقد جعلتُ له هذه الفضيله، وأعطيتك أن أُخرج من صلبه أحد عشر مهدياً، كلّهم من ذرّيتك من البكر البتول، وآخر رجل منهم يصلّي خلفه عيسى بن مريم، يملأ الأرض عدلاً كما مُلِئت ظلماً وجوراً، أنجي به من الهلكه، وأهدي به من الضلاله، وأبرئ به الأعمى، وأشفي به المريض: المحتضر ص ۲۴۸، بحار الأنوار ج ۵۱ ص ۶۹ و ج ۵۲ ص ۲۷۷. ۱۸ . عن عمرو بن ثابت قال: قال سيّد العابدين عليه السلام: مَن ثبت على ولايتنا في غيبه قائمنا، أعطاه اللّه أجر ألف شهيد مثل شهداء بدر وأُحد: كشف الغمّه ج ۳ ص ۳۲۹، أعلام الورى ج ۲ ص ۲۳۲، بحار

الأنوار ج ۵۲ ص ۱۲۵. ۱۹ . دخلَت علیه فـاطمه الزهراء علیهاالسـلام ، فلمّـا رأت مـا به خنقتهـا العبره، حتّی فاضت دموعها علی خـدّیها ، فلمّـا أن رآهـا رسول اللّه صـلی الله علیه و آله قـال : مـا یبکیـک یـا بنیّه ؟ قـالت: وکیف لاـ أبکی وأنا أری ما بک من الضـعف، فمن لنـا بعـدک یـا رسول اللّه ؟ قـال لهـا : لکم اللّه، فتوکّلی علیه واصـبری کمـا صبر آبـاؤ من الأنبیـاء وأُمّهاتـک من أزواجهم، یـا فـاطمه ، أوَمـا علمتِ أنّ اللّه تعـالی اختـار أبـاکِ فجعله نبیّاً وبعثه رسولاً، ثمّ علیّاً فزوّجتک إیّاه، وجعله وصـیّاً، فهو أعظم النـاس حقّـاً علی المسـلمین بعـد أبیـک، وأقـدمهم سـلماً ، وأعزّهم خطراً ، وأجملهم خلقـاً، وأشـدّهم فی اللّه وفیَّ غضـباً، وأشـجعهم قلباً، وأثبتهم وأربطهم جأشاً، وأسخاهم کفّاً . ففرحت بذلک الزهراء علیهاالسلام فرحاً شدیداً... : تفسیر فرات الکوفی ص ۴۶۴ بحار الأنوار ج ۲۲ ص ۴۹۶. ۲۰ . عن أمیر المؤنین علیه السـلام قال: للقائم منّا غیبهٌ أمدها طویل، کأنّی بالشیعه یجولون جولان النعم فی غیبته، یطلبون المرعی فلا یجدونه، ألا فمن ثبت منهم علی دینه لم یقس قلبه لطول أمد غیبه إمامه، فهو معی فی درجتی یوم القیامه. ثمّ قال علیه السـلام: إنّ القائم منّا إذا قام لم یکن لأحـد فی عنقه بیعه، فلذلک تُخفی ولادته ویغیب شـخصه: کمال الدین ص ۳۰۳، بحار الأنوار ج ۵۱ ص ۱۰۹، معجم أحادیث الإمام المهدی ج ۳ ص ۳۳، أعیان الشیعه ج ۲ ص ۵۵. ۲۱ . عن ابن نباته قال: أتیتُ أمیرَ المؤنین علی بن أبی طالب علیه السـلام فوجـدته مفکّراً ینکت فی الأرض، فقلتُ: یا أمیر المؤنین، ما لی أراک مفکّراً تنکت فی الأرض، أرغبهً فیها؟

قال: لا واللّه ما رغبت فيها ولا فى الدنيا يوماً قطّ، ولكنّى فكّرت فى مولودٍ يكون من ظهرى الحادى عشر من ولدى، هو المهدى، يملأها عـدلاً كما مُلِئت ظلماً وجوراً، تكون له حيره وغيبه يضلّ فيها أقوام ويهتـدى فيها آخرون، فقلتُ: يا أمير المؤنين، وإنّ هذا لكائنٌ؟ فقال: نعم، كما أنّه مخلوق، وأنّى لك بالعلم بهـذا الأمر يا أصبغ! أُولئك خيار هـذه الأُمّه مع أبرار هذه العتره، قلت: وما يكون بعد ذلك؟ قال: ثمّ يفعل اللّه ما يشاء، فإنّ له إرادات وغايات ونهايات: الإمامه والتبصـره ص ۱۲۱، كمال الدين ص ۲۸۹، كتاب الغيبه للنعمانى ص ۶۹، الاختصاص ص ۲۰۹، بحار الأنوار ج ۵۱ ص ۱۱۸، أعلام الورى ج ۲ ص ۲۲۸. ۲۲ . عن المفضّل بن عمر قال: كنتُ عند أبى عبد اللّه عليه السـلام فى مجلسه ومعى غيرى، فقال لنا: إيّاكم والتنويه؛ يعنى باسم القائم عليه السـلام، وكنت أراه يريد غيرى، فقال لى: يا أبا عبد اللّه، إيّاكم والتنويه، واللّه ليغيبنّ سـنيناً من الدهر وليخملن حتّى يقال: مات هلك بأىّ وادٍ سـلك، ولتفيضنّ عليه أعين المؤنين، وليكفـأنّ كتكفّؤالسـفينه فى أمواج البحر، حتّى لا ـ ينجو إلاّ ـ من أخـذ اللّه ميثاقه وكتب الإيمـان فى قلبه وأيّده بروحٍ منه، ولتُرفعنّ اثنا عشر رايه مشـتبهه، لا يُعرف أىّ من أىّ. قال: فبكيتُ، فقال لى: ما يبكيك؟ قلت: جُعلتُ فـداك، كيف لا ـ أبكى وأنت تقول: تُرفع اثنـا عشـر رايه مشـتبهه لا ـ يُعرف أىٌّ من أىٍّ. قال: فنظر إلى كوّه فى البيت التى تطلع فيهـا الشـمس فى مجلسه، فقـال عليه السـلام: أهـذه الشـمس مضـيئه؟ قلت: نعم، قـال: واللّه لأمرنـا أضوأ منهـا: كتاب الغيبه للنعمانى ص ۱۵۳، بحار الأنوار ج ۵۱ ص ۱۴۷، معجم

أحاديث الإمام المهـدى ج ٣ ص ۴٣٠. ٢٣ . سوره لقمـان، آيه ٢٠. ٢۴ . محمّـد بن زياد الأزدى، قال: سألتُ سـيّدى موسـى بن جعفر عليه السـلام عن قول اللّه عزّ وجـلّ: «وَ أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَهِرَةً وَ بَاطِنَةً»، فقال: النعمه الظاهره الإمام الظاهر، والباطنه الإمام الغائب. فقلتُ له: ويكون فى الأئمّه من يغيب؟ قال: نعم، يغيب عن أبصار الناس شخصه، ولا يغيب عن قلوب المؤمنين ذكره، وهو الثانى عشر منّا، يسـهّل اللّه له كلّ عسـير، ويـذلّل له كلّ صـعب، ويُظهر له كنوز الأرض، ويُقرّب له كلّ بعيـد، ويبير به كلّ جبّار عنيد، ويُهلك على يده كلّ شـيطانٍ مريد، ذاك ابن سـيّده الإماء، الذى يخفى على الناس ولادته، ولا يحلّ لهم تسـميته، ويظهره اللّه عزّ وجلّ فيملأ به الأرض قسـطاً وعـدلاً كما مُلِئت جوراً وظلماً: بحار الأنوار ج ۵١ ص ١۵٠، أعيان الشيعه ج ٢ ص ۵۶. ٢۵ . عن يونس بن عبد الرحمن، قال: دخلتُ على موسى بن جعفر عليه السلام فقلتُ له: يا بن رسول اللّه، أنت القائم بالحقّ؟ فقال: أنا القائم بالحقّ، ولكن القائم الذى يطهّر الأرض من أعداء اللّه ويملأها عدلاً كما مُلِئت جوراً، هو الخامس من ولدى، له غيبه يطول أمـدها خوفاً على نفسه، يرتدّ فيها أقوام ويثبت فيها آخرون. ثمّ قال عليه السـلام: طوبى لشـيعتنا المتمسّـكين بحبّنا فى غيبه قائمنا، الثابتين على موالاتنا والبراءه من أعدائنا، أُولئك منّا ونحن منهم، قد رضوا بنا أئمّهً ورضـينا بهم شـيعهً، وطوبى لهم، هم واللّه معنا فى درجتنا يوم القيامه: كمال الـدين ص ٣۶١، كفايه الأثر ص ٢۶٩، بحار الأنوار ج ۵١ ص ١۵١، معجم أحاديث الإمام المهدى ج ۴ ص ١۴٠، أعيان الشيعه ج ٢

ص ۵۶، أعلام الورى ج ۲ ص ۲۴۰، کشف الغمّه ج ۳ ص ۳۳۱. ۲۶ . عن الهروی، عن الرضا، عن آبائه علیهم السلام، قال: قال النبی صلی الله علیه و آله: والذی بعثنی بالحقّ بشیراً، لیغیبنّ القائم من وُلْدی بعهدٍ معهودٍ إلیه منّی، حتّی یقول أکثر الناس: ما للّه فی آل محمّد حاجه، ویشکّ آخرون فی ولادته، فمن أدرک زمانه فلیتمسّک بدینه، ولا یجعل للشیطان إلیه سبیلاً بشکّه، فیزیله عن ملّتی ویخرجه من دینی، فقد أُخرج أبویکم من الجنّه من قبل، وإنّ اللّه عزّ وجلّ جعل الشیاطین أولیاءَ للذین لا یؤمنون: کمال الدین ص ۵۱، بحار الأنوار ج ۵۱ ص ۶۸، معجم أحادیث الإمام المهدی ج ۱ ص ۲۶۴. ۲۷ . سمعتُ دِعبِل بن علی الخُزاعی یقول: أنشدتُ مولای علی بن موسی الرضا علیهماالسلام قصیدتی التی أوّلها: مَدارسُ آیاتٍ خَلَت مِن تِلاوهٍ/ ومَنزِلُ وحیٍ مُقفِرُ العَرَصات/ فلمّا انتهیت إلی قولی:خروجُ إمامٍ لا مَحالهَ خارجٌ/یقومُ علی اسم اللّه ِ والبرکات/یُمیِّزُ فینا کلَّ حقٍّ وباطلٍ/ویُجزی علی النَّعماءِ والنَّقِمات.

بکی الرضا علیه السلام بکاءً شدیداً، ثمّ رفع رأسه إلیَّ فقال لی: یا خُزاعیّ، نطقَ روحُ القدس علی لسانک بهذین البیتین، فهل تدری مَن هذا الإمام ومتی یقوم؟ فقلتُ: لا یا مولای، إلاّ أنّی سمعتُ بخروج إمامٍ منکم یطهّر الأرض من الفساد ویملأها عدلاً کما مُلِئت جوراً، فقال: یا دِعبِل، الإمام بعدی محمّد ابنی، وبعد محمّد ابنه علی، وبعد علی ابنه الحسن، وبعد الحسن ابنه الحجّه القائم، المنتظر فی غیبته، المطاع فی ظهوره، لو لم یبق من الدنیا إلاّ یومٍ واحد لطوّل اللّه ذلک الیوم حتّی یخرج فیملأها عدلاً کما مُلِئت جوراً، وأما متی؟ فإخبار عن الوقت، ولقد حدّثنی أبی عن أبیه، عن آبائه، عن علی

عليهم السلام أنّ النبى صلى الله عليه و آله قيل له: يا رسول اللّه، متى يخرج القائم من ذرّيتك؟ فقال: مثله مثل الساعه، لا يجلبها لوقتها إلاّ هو، ثقلت فى السماوات والأرض، لا يأتيكم إلاّ بغتةً: كفايه الأثر ص ۲۷۶، عيون أخبار الرضا ج ۱ ص ۲۹۷، كمال الدين ص ۳۷۲، مستدرك الوسائل ج ۱۹ ص ۳۹۴، مناقب آل أبى طالب ج ۳ ص ۴۵۰، مدينه المعجاز ج ۷ ص ۱۹۰، بحار الأنوار ج ۴۹ ص ۲۳۷ و ج ۵۱ ص ۱۵۴، جامع أحاديث الشيعه ج ۱۲ ص ۵۷۳، الغدير ج ۲ ص ۳۵۸. ۲۸ . عن عبد العظيم الحسنى قال: قلتُ لمحمّد بن على بن موسى عليهم السلام: إنّى لأرجو أن تكون القائم من أهل بيت محمّدٍ الذى يملأ الأرض قسطاً وعدلاً كما مُلِئت جوراً وظلماً، فقال: يا أبا القاسم، ما منّا إلاّ قائم بأمر اللّه وهادٍ إلى دين اللّه، ولستُ القائم الذى يطهّر اللّه به الأرض من أهل الكفر والجحود ويملأها عدلاً وقسطاً، هو الذى يخفى على الناس ولادته، ويغيب عنهم شخصه، ويحرم عليهم تسميته، وهو سمىّ رسول اللّه وكنيه، وهو الذى يُطوى له الأرض، ويُذلّ له كلّ صعب، يجتمع إليه من أصحابه عدد أهل بدر، ثلاثمئه وثلاثه عشر رجلاً من أقاصى الأرض، وذلك قول اللّه عزّ وجلّ: «أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»، فإذا اجتمعت له هذه العدّه من أهل الأرض، أظهر أمره، فإذا أكمل له العقد وهو عشره آلاف رجل، خرج بإذن اللّه، فلا يزال يقتل أعداء اللّه حتّى يرضى اللّه تبارك وتعالى. قال عبد العظيم: قلت له: يا سيّدى، وكيف يعلم أنّ اللّه قد رضى؟ قال يلقى فى قلبه

الرحمه: كفايه الأثر ص ۲۸۲، مدينه المعجاز ج ۷ ص ۴۱۰، بحار الأنوار ج ۵۱ ص ۱۵۷، تفسير نور الثقلين ج ۱ ص ۱۳۹. ۲۹ . عن الصقر بن أبی دُلَف قال: سمعتُ أبا جعفر محمّد بن علی الرضا عليه السلام يقول: الإمام بعدی ابنی علیّ، أمره أمری وقوله قولی وطاعته طاعتی، والإمام بعده ابنه الحسن، أمره أمر أبيه وقوله قول أبيه وطاعته طاعه أبيه. ثمّ سكت فقلتُ له: يا بن رسول اللّه، فمن الإمام بعد الحسن؟ فبكی عليه السلام بكاءً شديداً ثمّ قال: إنّ من بعد الحسن ابنه القائم بالحقّ المنتظر، فقلتُ له: يا بن رسول اللّه ولم سُمّی القائم؟ قال: لأنّه يقوم بعد موت ذكره وارتداد أكثر القائلين بإمامته، فقلتُ له: ولم سُمّی المنتظر؟ قال: إنّ له غيبه يكثر أيّامها ويطول أمدها، فيَنتظر خروجه المخلصون، وينكره المرتابون، ويستهزئ به الجاحدون، ويكذب فيها الوقّاتون، ويهلك فيها المستعجلون، وينجو فيها المسلمون: كمال الدين ص ۳۷۸، كفايه الأثر ص ۲۸۳، مدينه المعجاز ج ۷ ص ۴۱۱، بحار الأنوار ج ۵۱ ص ۳۰، معجم أحاديث الإمام المهدی ج ۴ ص ۱۸۶، أعيان الشيعه ج ۲ ص ۲۴۳، أعلام الوری ج ۲ ص ۲۴۳. ۳۰ . دخلتُ أنا والمفضّل بن عمر وأبو بصير وأبان بن تغلب علی مولانا أبی عبد اللّه الصادق عليه السلام، فرأيناه جالساً علی التراب وعليه مسحٌ خيبریٌّ مُطوّقٌ بلا جَيبٍ، مُقَصّر الكُمّين، وهو يبكی بكاء الواله الثكلی ذات الكبد الحرّی، قد نال الحزن من وجنتيه، وشاع التغيير فی عارضيه، وأبلی الدموع محجريه، وهو يقول: سيّدی، غيبتُكَ نَفَت رقادی، وضيّقت علیَّ مهادی، وابتزّت منّی راحه فؤادی، سيّدی، غيبتُكَ أوصلت مصابی بفجائع الأبد، وفقد الواحد بعد الواحد يفنی الجمع

والعـدد، فمـا أحسّ بـدمعه ترقى من عينى وأنين يفتر من صـدرى، عن دوارج الرزايـا وسوالف البلايـا، إلاّ مثـل بعينى عن غوابر أعظمهـا وأفظعها، وبواقى أشـدّها وأنكرها، ونوائب مخلوطه بغضـبك، ونوازل معجونه بسـخطك. قال سـدير: فاسـتطارت عقولنا ولهـاً، وتصـدّعت قلوبنا جزعاً من ذلك الخطب الهائل، والحادث الغائل، وظننا أنّه سـمت لمكروهه قارعه، أو حلّت به من الـدهر بـائقه، فقلنـا: لا أبكى اللّه يا بن خير الورى عينيك، مِن أيّه حادثه تسـتنزف دمعتك وتسـتمطر عبرتك؟ وأيّه حاله حتمت عليك هذا المأتم؟ قال: فزفر الصادق عليه السلام زفره انتفخ منها جوفه، واشتدّ عنها خوفه، وقال: ويلكم! نظرت فى كتاب الجفر صبيحه هـذا اليوم، وهو الكتـاب المشـتمل على علم المنايـا والبلايـا والرزايا، وعلم ما كان وما يكون إلى يوم القيامه، الـذى خصّ اللّه به محمّداً والأئمّه من بعده عليهم السلام، وتأمّلت منه مولد غائبنا وغيبته وإبطاءه وطول عمره وبلوى المؤمنين فى ذلك الزمان، وتولّد الشكوك فى قلوبهم من طول غيبته، وارتداد أكثرهم عن دينهم، وخلعهم ربقه الإسلام من أعناقهم التى قال اللّه تقدّس ذكره: «وَكُلَّ إِنسَنٍ أَلْزَمْنَهُ طَـائِرَهُ فِى عُنُقِهِ» يعنى الولايه. فأخـذتنى الرقّه، واسـتولت على الأحزان، فقلنـا: يـا بن رسول اللّه، كرّمنا وفضّلنا بإشـراكك إيّانـا فى بعض مـا أنت تعلمه من علم ذلـك، قـال: إنّ اللّه تبـارك وتعـالى أدار للقائم منّا ثلاثه، أدارها فى ثلاثه من الرسل عليهم السـلام: قدر مولده تقدير مولد موسـى عليه السـلام، وقدر غيبته تقدير غيبه عيسـى عليه السـلام، وقدر إبطائه تقدير إبطاء نوح عليه السـلام، وجعل له من بعد ذلك عمر العبد الصالح أعنى الخضـر عليه السلام دليلاً على عمره. فقلنا له: اكشف لنا يا بن رسول اللّه عن وجوه هذه المعانى. قال عليه السلام: أمّا مولد

موسى عليه السلام، فإنّ فرعون لمّا وقف على أنّ زوال ملكه على يده أمر بإحضار الكهنه، فدلّوه على نسبه وأنّه يكون من بنى إسرائيل، ولم يزل يأمر أصحابه بشقّ بطون الحوامل من نساء بنى إسرائيل حتّى قتل فى طلبه نيّفاً وعشرين ألف مولود، وتعذّر عليه الوصول إلى قتل موسى عليه السلام بحفظ اللّه تبارك وتعالى إيّاه، وكذلك بنو أُميّه وبنو العبّاس لمّا وقفوا على أنّ زوال ملكهم وملك الأُمراء والجبابره منهم على يد القائم منّا، ناصبونا العداوه، ووضعوا سيوفهم فى قتل آل الرسول صلى الله عليه و آله وإباده نسله؛ طمعاً منهم فى الوصول إلى قتل القائم، ويأبى اللّه عزّ وجلّ أن يكشف أمره لواحدٍ من الظلمه إلاّ أن يتمّ نوره ولو كره المشركون. وأمّا غيبه عيسى عليه السلام فإنّ اليهود والنصارى اتّفقت على أنّه قُتل، فكذّبهم اللّه جلّ ذكره بقوله: «وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا، صَلَبُوهُ وَلَكِن شُبِّهَ لَهُمْ»، كذلك غيبه القائم، فإنّ الأُمّه ستنكرها لطولها، فمن قائل يهذى بأنّه لم يولد، وقائل يقول: إنّه يتعدّى إلى ثلاثه عشر وصاعداً، وقائل يعصى اللّه عزّ وجلّ بقوله: إنّ روح القائم ينطق فى هيكل غيره. وأمّا إبطاء نوح عليه السلام: فإنّه لمّا استنزلت العقوبه على قومه من السماء، بعث اللّه عزّ وجلّ الروح الأمين عليه السلامبسبع نويات، فقال: يا نبيّ اللّه، إنّ اللّه تبارك وتعالى يقول لك: إنّ هؤلاء خلائقى وعبادى، ولست أبيدهم بصاعقهٍ من صواعقى إلاّ بعد تأكيد الدعوه وإلزام الحجّه، فعاود اجتهادك فى الدعوه لقومك، فإنّى مثيبك عليه، واغرس هذه النوى فإنّ لك فى نباتها وبلوغها وإدراكها إذا أثمرت الفرج والخلاص، فبشّر بذلك من تبعك من المؤمنين. فلمّا نبتت الأشجار وتأزّرت وتسوّقت وتغصّنت وأثمرت وزَها التمرُ عليها بعد زمانٍ طويل، استنجز من اللّه سبحانه وتعالى

العـده، فأمره اللّه تبارك وتعالى أن يغرس من نوى تلك الأشـجار ويعاود الصبر والاجتهاد، ويؤكّد الحجّه على قومه، فأخبر بذلك الطوائف التى آمنت به، فارتدّ منهم ثلاثمئه رجل وقالوا: لو كان ما يدّعيه نوح حقّاً لما وقع فى وعد ربّه خلف. ثمّ إنّ اللّه تبارك وتعالى لم يزل يأمره عنـد كلّ مرّه بأن يغرسـها مرّه بعـد أُخرى، إلى أن غرسـها سبع مرّات، فما زالت تلك الطوائف من المؤمنين ترتـدّ منه طـائفه بعـد طـائفه، إلى أن عـاد إلى نيّف وسـبعين رجلًا، فأوحى اللّه تبارك وتعالى عنـد ذلك إليه وقال: يا نوح، الآن أسـفر الصـبح عن الليل لعينك حين صـرح الحقّ عن محضه وصفى الأمر والإيمان من الكدر بارتداد كلّ من كانت طينته خبيثه: كمال الدين ص ۳۵۳، الغيبه ص ۱۶۸، بحار الأنوار ج ۵۱ ص ۲۱۹. ۳۱ . ثبّتنى على طاعه ولىّ أمرك الـذى سترته عن خلقك، فبإذنـك غـاب عن بريتـك، وأمرك ينتظر، وأنت العـالم غير معلّم بالوقت الـذى فيه صـلاح أمر وليّك فى الإذن له بإظهار أمره وكشف ستره، فصبّرنى على ذلـك حتّى لاـ أُحبّ تعجيـل ما أخّرت، ولا تأخير ما عجّلت، ولا أكشف عمّا سترته، ولا أبحث عمّا كتمته، ولاـ أُنازعك فى تـدبيرك، ولا أقول: لِمَ وكيف، وما بال ولىّ الأمر لا يظهر؟ وقـد امتلأت الأرض من الجور؟...: مصـباح المتهجّد ص ۴۱۲، كمال الدين ص ۵۱۲، جمال الأُسبوع ص ۳۱۶، بحار الأنوار ج ۵۳ ص ۱۸۷. ۳۲ . عن فضل بن أبى قرّه قال: سمعتُ أبا عبـد اللّه عليه السـلام يقول: أوحى اللّه إلى إبراهيم أنّه سـيولد لك. فقال لساره، فقالت: أألـد وأنا عجوز؟ فأوحى اللّه إليه: إنّها ستلد ويعذّب أولادها أربعمئه سنه بردّها الكلام

عليَّ. قال: فلمّا طال على بنى إسرائيل العذاب ضجّوا وبكوا إلى اللّه أربعين صباحاً، فأوحى اللّه إلى موسى وهارون أن يخلّصهم من فرعون، فحطّ عنهم سبعين ومئه سنه. قال: وقال أبو عبد اللّه عليه السلام: هكذا أنتم لو فعلتم لفرّج اللّه عنّا، فأمّا إذا لم تكونوا فإنّ الأمر ينتهى إلى منتهاه: تفسير العيّاشى ج ٢ ص ١۵۴، التفسير الصافى ج ٢ ص ۴۶٠، بحار الأنوار ج ۵٢ ص ١٣١، مستدرك الوسائل ج ۵ ص ٢٣٩. ٣٣ . عن السندى، عن جدّه قال: قلتُ لأبى عبد اللّه عليه السلام: ما تقول فيمن مات على هذا الأمر منتظراً له؟ قال: هو بمنزله مَن كان مع القائم فى فسطاطه. ثمّ سكت هنيئه ثمّ قال: هو كمن كان مع رسول اللّه صلى الله عليه و آله: المحاسن ج ١ ص ١٧٣، بحار الأنوار ج ۵٢ ص ١٢۵؛ عن علاء بن سَيَابه قال: قال أبو عبد اللّه عليه السلام: مَن مات منكم على هذا الأمر منتظراً له، كان كمن كان فى فسطاط القائم عليه السلام: المحاسن ج ١ ص ١٧٣، كمال الدين ص ۶۴۴، بحار الأنوار ج ۵٢ ص ١٢۵. ٣۴ . ليت شعرى أين استقرّت بك النوى؟ بل أىّ أرضٍ تقلك أو ثرى؟ أبرضوى أم غيرها، أم ذى طوى؟ عزيز علىَّ أن أرى الخلق ولا تُرى، ولا أسمع لك حسيساً ولا نجوى، عزيز علىَّ أن تحيط بك دونى البلوى، ولا ينالك منّى ضجيجٌ ولا شكوى. بنفسى أنت من مغيّبٍ لم يخل منّا...: المزار لابن المشهدى ص ۵٨٢، إقبال الأعمال ج ١ ص ۵١١، بحار الأنوار ج ٩٩ ص ١٠٩. ٣۵ . عن مُعتِّب مولى أبى عبد اللّه عليه السلام، قال: سمعته يقول لداود بن سرحان: يا داود، أبلغ

مَوالیَّ عنّی السـلام، وأنّی أقول: رحم اللّه عبداً اجتمع مع آخر فتذاكرا أمرنا، فإنّ ثالثهما مَلَكٌ یستغفر لهما، وما اجتمع اثنان علی ذكرنا إلاّ باهی اللّه تعالی بهما الملائكه، فإذا اجتمعتم فاشـتغلوا بالـذكر، فإنّ فی اجتماعكم ومذاكرتكم إحیاءنا، وخیر الناس من بعدنا من ذاكر بأمرنا ودعا إلی ذكرنا: أمالی الطوسی ص ۲۲۴، المحتضر ص ۲۸۹، بحار الأنوار ج ۱ ص ۲۰۰ و ج ۷۱ ص ۳۵۴، وسائل الشـیعه ج ۱۶ ص ۳۴۸، مسـتدرک الوسائل ج ۸ ص ۳۲۵، جامع أحادیث الشـیعه ج ۱۲ ص ۶۳۲، بشاره المصطفی ص ۱۷۵. ۳۶ . سوره ذاریات، آیه ۵۶. ۳۷ . كمال الدین ص ۲۸۷، بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۱۲۵، معجم أحادیث الإمام المهدی ج ۱ ص ۲۷۰، وراجع مجمع الزوائد ج ۱۰ ص ۱۴۷، المعجم الأوسط ج ۵ ص ۲۳۰، مسند الشهاب ج ۲ ص ۲۴۵، الجامع الصغیر ج ۱ ص ۱۹۲، كنز العمّـال ج ۳ ص ۲۷۵، كشف الخفـاء ج ۱ ص ۱۵۸، جـامع البیان ج ۵ ص ۷۱، تفسـیر الثعلبی ج ۳ ص ۳۰۰، تفسیر ابن كثیر ج ۱ ص ۵۰۰، الدرّ المنثور ج ۲ ص ۱۴۹، تفسیر الآلوسی ج ۵ ص ۲۱، ینابیع المودّه ج ۳ ص ۳۹۷، غایه المرام ج ۷ ص ۸۹. ۳۸ . اللّهمّ إنّی أُجـدّد فی صبیحه یومی هـذا وما عشتُ فیه من أیّام حیاتی عهداً وعقداً وبیعهً له فی عنقی، لا أحولُ عنهـا ولاـ أزولُ أبـداً. اللّهمّ اجعلنی مِن أنصـاره وأعـوانه، والـذابّین عنه، والمسـارعین فی حـوائجه، والممتثلین لأـوامره ونـواهیه، والتـابعین والسـابقین إلی إرادته، والمحـامین عنه والمستشـهدین بین یـدیه. اللّهمّ فـإن حـال بینی وبینه المـوت الـذی جعلته علی عبادک حتماً

مقضیاً، فأخرجنی من قبری مؤزراً کفنی، شاهراً سیفی، مجرّداً قناتی، ملبّیاً دعوه الداعی فی الحاضر والبادی...: المصباح ص ۵۵۱، بحار الأنوار ج ۵۳ ص ۹۶ و ج ۹۹ ص ۱۱۱. ۳۹ . عن مَسعَده قال: کنتُ عند الصادق علیه السلام إذ أتاه شیخٌ کبیر قد انحنی متّکئاً علی عصاه، فسلّم فردّ أبو عبد اللّه علیه السلام الجواب، ثمّ قال: یا بن رسول اللّه، ناولنی یدک أُقبّلها، فأعطاه یده فقبّلها، ثمّ بکی، فقال أبو عبد اللّه علیه السلام: ما یبکیک یا شیخ؟ قال: جُعلتُ فداک یا بن رسول اللّه، أقمتُ علی قائمکم منذ مئه سنه أقول: هذا الشهر وهذه السنه، وقد کبرت سنّی ودقّ عظمی واقترب أجلی، ولا أری فیکم ما أُحبّ، أراکم مقتّلین مشرّدین، وأری عدوّکم یطیرون بالأجنحه، فکیف لا أبکی؟ فدمعت عینا أبی عبد اللّه علیه السلام ثمّ قال: یا شیخ، إنّ اللّه أبقاک حتّی تری قائمنا، کنت معنا فی السنام الأعلی، وإن حلّت بک المنیّه جئتَ یوم القیامه مع ثقل محمّدٍ صلی الله علیه و آله، ونحن ثقله، فقد قال صلّی اللّه علیه وآله: إنّی مخلّف فیکم الثقلین، فتمسّکوا بهما لن تضلّوا: کتاب اللّه وعترتی أهل بیتی، فقال الشیخ: لا أُبالی بعدما سمعت هذا الخبر...: کفایه الأثر ص ۲۶۵، بحار الأنوار ج ۳۶ ص ۴۰۸، معجم أحادیث الإمام المهدی ج ۳ ص ۴۰۷، غایه المرام ج ۲ ص ۳۲۴. ۴۰ . وأسألُکَ بجمیع ما سألتک وما لم أسألک، من عظیم جلالک ما لو علمته لسألتک به، أن تصلّی علی محمّدٍ وأهل بیته، وأن تأذن لفرجِ مَن بفرجه فرج أولیائک وأصفیائک مِن خلقک، وبه تبید الظالمین وتهلکهم، عجّل ذلک یا ربّ العالمین، وأعطنی سؤی یا ذا الجلال والإکرام، فی جمیع ما سألتک

لعاجل الدنیا وآجل الآخره، یا من هو أقرب إلیَّ من حبل الورید، أقلنی عثرتی واقلبنی بقضاء حوائجی یا خالقی ویا رازقی ویا باعثی، ویا محیی عظامی وهی رمیم، صلِّ علی محمّدٍ وآل محمّد، واستجب لی دعائی یا أرحم الراحمین. فلمّا فرغ رفع رأسه، قلتُ: جُعلتُ فداک، وأنت تدعو بفرجٍ مَن بفرجه فرج أصفیاء اللّه وأولیائه، أوَلستَ أنت هو؟ قال علیه السلام: لا، ذاک قائم آل محمّد صلی الله علیه و آله: إقبال الأعمال ج ۱ ص ۳۶۸، بحار الأنوار ج ۹۵ ص ۱۵۸، مکیال المکارم ج ۱ ص ۱۲۹. ۴۱ . این مسجد در نزدیکی حرم حضرت معصومه علیهاالسلام قرار دارد، وقتی به قم سفر می کنید به این مسجد بروید، این مسجد به نام «مسجد امام حسن عسکری علیه السلام» مشهور است. ۴۲ . إسحاق بن سعد الأشعری، قال: دخلتُ علی أبی محمّد الحسن بن علی علیهماالسلام وأنا أُرید أن أسأله عن الخلف من بعده، فقال لی مبتدئاً: یا أحمد بن إسحاق، إنّ اللّه تبارک وتعالی لم یُخْلِ الأرضَ منذ خلق آدم علیه السلام، ولا یُخَلّیها إلی أن تقوم الساعه، مِن حجّةٍ للّه علی خلقه، به یدفع البلاء عن أهل الأرض، وبه یُنزِّل الغیثَ، وبه یُخرج برکات الأرض. قال: فقلتُ له: یا بن رسول اللّه، فمن الإمام والخلیفه بعدک؟ فنهض علیه السلام مسرعاً فدخل البیت، ثمّ خرج وعلی عاتقه غلام کأنّ وجهه القمر لیله البدر مِن أبناء الثلاث سنین، فقال: یا أحمد بن إسحاق، لولا کرامتک علی اللّه عزّ وجلّ وعلی حججه ما عرضتُ علیک ابنی هذا، إنّه سمیّ رسول اللّه صلّی اللّه علیه وآله وکنیّه، الذی یملأ الأرض قسطاً وعدلاً کما مُلِئت جوراً وظلماً. یا أحمد بن إسحاق، مَثَلُهُ فی هذه الأُمّه

مَثَلُ الخضر عليه السلام، ومَثَلُهُ مَثَلُ ذى القرنين، واللّه ليغيبنّ غيبهً لا ـ ينجو فيها من الهلكه إلاّ ـ من ثبّته اللّه عزّ وجلّ على القول بإمامته، وفقه فيها للدعاء بتعجيل فرجه...: كمال الدين ص ۳۸۴، مدينه المعجاز ج ۷ ص ۶۰۶، معجم أحاديث الإمام المهدى ج ۴ ص ۲۶۷، أعلام الورى ج ۲ ص ۲۴۸، كشف الغمّه ج ۳ ص ۳۳۳. ۴۳ . عن الأعمش، عن الصادق عليه السلام قال: لم تخلو الأرض منذ خلق اللّه آدم من حجّهٍ للّه فيها، ظاهرٍ مشهورٍ، أو غائبٍ مستورٍ، ولا تخلو إلى أن تقوم الساعه من حجّهٍ للّه فيها، ولولا ذلك لم يُعبد اللّه. قال سليمان: فقلتُ للصادق عليه السلام: فكيف ينتفع الناس بالحجّه الغائب المستور؟ قال: كما ينتفعون بالشمس إذا سترها السحاب: أمالى الصدوق ص ۲۵۳، كمال الدين ص ۲۰۷، روضه الواعظين ص ۱۹۹، بحار الأنوار ج ۲۳ ص ۶ و ج ۵۲ ص ۹۲، وراجع ينابيع المودّه ج ۱ ص ۷۵. ۴۴ . حدّثَ جماعه من أهل إصفهان منهم أبو العبّاس أحمد بن النضر وأبو جعفر محمّد بن علويه قالوا: كان بإصفهان رجل يقال له: عبد الرحمن، وكان شيعيّاً، قيل له: ما السبب الذى أوجب عليك القول بإمامه عليّ النقيّ دون غيره من أهل الزمان؟ قال: شاهدتُ ما أوجب عليَّ، وذلك أنّى كنتُ رجلًا فقيراً، وكان لى لسانٌ وجرأهٌ، فأخرجنى أهل إصفهان سنه من السنين مع قوم آخرين إلى باب المتوكّل متظلّمين، فكنّا بباب المتوكّل يوماً إذا خرج الأمر بإحضار على بن محمّد بن الرضا عليهم السلام، فقلتُ لبعض من حضر: مَن هذا الرجل الذى قد أُمر بإحضاره؟ فقيل: هذا رجل علويّ تقول الرافضه بإمامته. ثمّ قال: ويُقدّر أنّ

المتوكّل يحضره للقتل، فقلتُ: لا أبرح من ها هنا حتّى أنظر إلى هذا الرجل، أىّ رجلٍ هو؟

قال: فأقبل راكباً على فرسٍ، وقد قام الناس يمنه الطريق ويسرتها صفّين ينظرون إليه، فلمّا رأيته وقع حبّه فى قلبى، فجعلتُ أدعو فى نفسى بأن يدفع اللّه عنه شرّ المتوكّل، فأقبل يسير بين الناس وهو ينظر إلى عُرفِ دابّته، لا ينظر يمنةً ولا يسرةً، وأنا دائم الدعاء. فلمّا صار إلىَّ، أقبل بوجهه إلىَّ وقال: استجاب اللّه دعاءك، وطوّل عمرك، وكثّر مالك وولدك. قال: فارتعدتُ ووقعتُ بين أصحابى، فسألونى وهم يقولون: ما شأنك؟ فقلتُ: خير، ولم أخبر بذلك. فانصرفنا بعد ذلك إلى إصفهان، ففتح اللّه علىَّ وجوهاً من المال، حتّى أنا اليوم أغلق بابى على ما قيمته ألف ألف درهم، سوى ما لى خارج دارى، ورُزقت عشره من الأولاد، وقد بلغتُ الآن من عمرى نيّفاً وسبعين سنه، وأنا أقول بإمامه الرجل على الذى علم ما فى قلبى، واستجاب اللّه دعاءه فىَّ ولىَّ: الثاقب فى المناقب ص ۵۵۰، الخرائج والجرائح ج ۱ ص ۳۹۳، بحار الأنوار ج ۵۰ ص ۱۴۲، كشف الغمّه ج ۳ ص ۱۸۳. ۴۵ . إلى متى أَحارُ فيك يا مولاى وإلى متى؟ وأىّ خطابٍ أصف فيك وأىّ نجوى؟ عزيزٌ علىَّ أن أُجاب دونك وأُناغى، عزيز علىَّ أن أبكيك ويخذلك الورى، عزيز علىَّ أن يجرى عليك دونهم ما جرى. هل مِن معينٍ فأُطيل معه العويل والبكاء؟ هل من جَزوعٍ فأُساعد جزعه إذا خلا؟ هل قَذِيَت عينٌ فساعدتها عينى على القَذى؟ هل إليك يا بن أحمد سبيلٌ فتُلقى؟ هل يتّصل يومنا منك بغده فنحظى؟ متى نرد مناهلك الرويه فنروى؟ متى ننتقع من عذب مائك فقد طال الصدى؟ متى نغاديك

ونراوحک فتقرّ عیوننا؟ متی ترانا ونریک وقد نشرتَ لواءَ النصر تُری؟: المزار لابن المشهدی ص ۵۸۲، إقبال الأعمال ج ۱ ص ۵۱۱، بحار الأنوار ج ۹۹ ص ۱۰۹. ۴۶ . اللّهمّ ولا تسلبنا الیقین لطول الأمد فی غیبته وانقطاع خبره عنّا، ولا تنسنا ذکره وانتظاره، والإیمان وقوّه الیقین فی ظهوره، والدعاء له والصلاه علیه، حتّی لا ـ یُقنّطنا طولُ غیبته من ظهوره وقیامه، ویکون یقیننا فی ذلک کیقیننا فی قیام رسولک صلواتک علیه وآله، وما جاء به من وحیک وتنزیلک، وقوِّ قلوبنا علی الإیمان به حتّی تسلک بنا علی یده منهاج الهدی والحجّه العظمی والطریقه الوسطی، وقوّنا علی طاعته، وثبّتنا علی متابعته، واجعلنا فی حزبه وأعوانه وأنصاره، والراضین بفعله، ولا تسلبنا ذلک فی حیاتنا ولا عند وفاتنا، حتّی تتوفّانا ونحن علی ذلک غیر شاکّین ولا ناکثین ولا مُرتابینَ ولا مُکذّبین. اللّهمّ عجّل فرجه وأیّده بالنصر، وانصر ناصریه، واخذل خاذلیه، ودمّر علی من نَصَبَ له وکَذّب به، وأظهر به الحقّ، وأمت به الباطل، واستنقذ به عبادک المؤمنین من الذلّ، وانعش به البلاد...: مصباح المتهجّد ص ۴۱۳، کمال الدین ص ۵۱۳، جمال الأُسبوع ص ۳۱۶، بحار الأنوار ج ۵۳ ص ۱۸۸. --

------------ ۱

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹